

خطر امپریالیسم، عاجل و هماهنگی نیروهای ضد امپریالیستی نیاز مبرم روز است

خطر امریکا

جدی است فوری است باقی است

خطر تهاجم مجدد امپریالیسم آمریکا همچنان به قوت خود باقی است. اخبار موجود بازم این واقعیت را تأیید می کنند:

هفته نامه انگلیسی «آپرزور» نوشت که جیمی کارتر، طرح پنتاگون را درباره استقرار یک نیروی نظامی پنجاه هزار نفری در مصر برای شرکت در عملیات ضربتی احتمالی پذیرفته است. این طرح آمریکا باید به تصویب دیگر کشورهای عضو ناتو برسد، جزئی از یک طرح پنج ماده ای آمریکا درباره حضور نظامی غرب در خاور میانه است. باین ترتیب مصر پایگاه عملیات ضربتی آینده غرب خواهد بود، تأسیسات پایگاه انگلیسی آمریکا در «دیگو گاسپار» در اقیانوس هند به سرعت گسترش خواهد یافت. آمریکا در بندر «مومباسا» (کنیا) و «بربره» (سومالی) از تسهیلات دریایی و هوایی استفاده خواهد کرد، حضور دریایی آمریکا در اقیانوس هند دریای سرخ و خلیج فارس... (اطلاعات، یکشنبه ۵۹/۲/۲۱)

«مایکل کوپلند، رئیس سابق کادر عملیات سیاسی «سیا» طی گفتگویی به خبرنگار دپلی تلگراف اظهار داشت، حادثه مواجهه با دانشمندی در تیبان طیب به معنی پایان عملیات نجات گروگانها نیست» (جمعه دی اسلامی ۵۹/۲/۲۲)

«ساعت شش عصر ۲/۲۲ چندمیلی کویتر آمریکائی از روی عرشه سه ناو آمریکائی که در خلیج فارس مستقر هستند، پرواز کرده و در نزدیکی فضای منطقه چاه دستم در جنوب جزیره لاوان در خلیج فارس، به پرواز درآمدند» (فرمانده نیروی هوایی ارتش ایران - پامداد، ۵۹/۲/۲۳)

«ایران وزیر دفاع آمریکا، که در جلسات ناتو شرکت کرده است، دیروز طی مصاحبه ای گفت، حضور گسترده تر آمریکا در جنوب غربی آسیا که در آنجا با مساجرای افغانستان و بحرین ایران روبروست، ضروری است.» (کیهان، سه شنبه ۵۹/۲/۲۳)

«روزنامه اینرود گزارش داد که ۵۰ هزار سرباز آمریکائی در انجام عملیات ضربتی بر قاسم شرکت دارند. در این نقشه که طرح جدید در استراتژی نظامی آمریکا بشمار میرود، احداث آماج های نظامی بزرگ آمریکائی در مصر پیش بینی شده است.» (کیهان - نقل از رادیوسکو - ۵۹/۲/۲۳)

«تاس گزارش داد که ایالات متحده آمریکا قصد دارد همپیمانان را وادار به حمایت گسترده احتمالی از اقدامات تبهی بر نامه ریزی شده علیه ایران سازد.» (اطلاعات، ۵۹/۲/۲۴)

«سفیر آمریکا در فرانسه ضمن مصاحبه ای با روزنامه «سودال» با ابراز تأسفقت از شکست آمریکا برای نجات گروگانها تأکید کرد که مردم آمریکا امروز دیگر هیچ تردیدی ندارند که تنها راهی که برای ما باقی مانده، انجام یک اقدام نظامی است.» (پامداد، ۵۹/۲/۲۵)

روزنامه اطلاعات ابتکار بسیار جالب و سودمندی بکار برده و از سازمانهای سیاسی انقلابی ایران دعوت کرده است که دور میز گردی جمع شوند و در چارچوب ضرورت مبرم اتحاد عمل نیروهای انقلابی در برابر خطر امپریالیسم، باهم به مذاکره بنشینند و راههای همکاری و اتحاد عمل را بیابند.

حزب توده ایران دعوت روزنامه اطلاعات را با خرسندی پذیرفت و در جلسات این میزگرد شرکت کرد.

تاکنون دوجلسه با نسیبه طولانی تشکیل شده و طبق قراریکه شرکت کنندگان در میزگرد گذاشته اند، جلسات ادامه خواهد یافت.

نتایج نخستین جلسات میزگرد دلگرم کننده است. با وجود جو سمومیکه سیا و ساواکو موساد، طی سالهای طولانی سلطه خود بر کشور ما، بوجود آورده اند - و متأسفانه هنوز بیطور کامل از میان نرفته - شرکت کنندگان میزگرد احساس میکنند که در نبرد با امپریالیسم برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، زمینه همکاری و وجوه

هجوم وسیع ضد انقلاب به دفا تر حزب توده ایران در کردستان

اقدام مسئولان شورای شهر مهاباد در مقابله با تحریکات ضد انقلاب و محکوم کردن آن مورد تحسین و تأیید کلیه نیروهای مترقی و انقلابی است

در بانه، یک خبرنگار آمریکائی از آتش سوزی دفتر حزب توده ایران فیلمبرداری می کرد



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۳۷
یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۹ - تک شماره ۱۵ ریال

مارکسیست های اصیل پشتیبان راستین انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اند

هر کس خود را مارکسیست، می نامد، مارکسیست نیست، همانگونه که هر کس خود را «انقلابی» قلمداد کند، انقلابی نیست، همانگونه که هر ملام روحانی نمایی، روحانی راستین انقلابی و مسلمان واقعی نیست، ملاک تشخیص این که چه کسی مارکسیست راستین، انقلابی راستین، روحانی راستین انقلابی و مسلمان واقعی است، عمل اوست نه ادعائی که دارد و نامی که بر خود میگذارد.

متأسفانه نه فقط در این زمان که در این روزها، در این بیان نوشته روزنامه ای، بلکه گاهی در سخنرانی های مقامات مسئول، مشاهده می شود که مارکسیست نساها مارکسیست نامیده می شوند و آنگاه مثلا گفته می شود که «دشمنان انقلاب ایران از مارکسیست ها همواره استفاده میکنند. مارکسیست ها با تشدید تضادهای درونی می خواهند جمهوری اسلامی ایران نابود شود».

این نحوه بیان، انعکاس واقعیت نیست.

واقعیت این است که مثلا مائوئیست ها خود را، دو آتش تر از مارکسیست ها معرفی می کنند، ولی در واقع ضد مارکسیست های دو آتش هستند. آنان به نام «کومله»

در صفحات بعد درد راه برقراری یک نظام علمی طبقه بندی مشاغل

مسائل کارگری - صفحه ۴

صدا و سیمای جمهوری اسلامی به وظایف انقلابی خود عمل نمیکنند

صفحه ۴

تا قطع ید کامل سیستم بزرگ مالکی انقلاب در مخاطره مالکان بزرگ است

مسائل دهقانی - صفحه ۵

ما میتوانیم با شریعتی ها و همه مبارزان هوادار راه امام خمینی برای انجام یک تحول بنیادی بسود توده های زحمتکش در کنار هم و به اتفاق هم بوزیم

نورالدین کیانوری:

بمناسبت سومین سالگرد هجرت دکتر علی شریعتی، روزنامه کیهان اظهار نظر چندگانه از شخصیت های سیاسی و اجتماعی، از جمله رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، را درباره دکتر علی شریعتی، در شماره ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ خود درج کرده است.

اظهار نظر رفیق کیانوری در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می رسد:



دکتر علی شریعتی در زندان ساواک

دکتر علی شریعتی یکی از شخصیت های برجسته جنبش انقلابی اسلامی ایران است که از سالها پیش توجه ما را بخود جلب کرده و مورد احترام ماست. زمانیکه شریعتی در زندان شاه بود، ما هر وقت از او دفاع کردیم و رادیوی پیک ایران بدین مناسبت برنامه های ویژه ای پخش کرد. ما از خبر مرگ مشکوک و نا بهنگام شریعتی بدنت متأثر شدیم. روزنامه ما پس از دریافت این خبر - تیرماه ۱۳۵۶ - این تأثر ما را منعکس کرد و ضمن تجلیل از مبارزات انقلابی و ترقی خواهانه شریعتی، روشنگری های او در حسینیه ارشاد، و بیونداد با محافل علمی و مترقی ایران، ساواک را مسئول مرگ این دانشمند مبارز دانست و به این جنایت اعتراض کرد. سال گذشته در اردیبهشت ماه نیز نامه مردم که پس از ده سال برای نخستین بار آزادانه در تهران منتشر میشد، سالگرد شریعتی را گرامی داشت.

ما شریعتی را هم بعنوان مبارزی پرشور و هم بعنوان دانشمندی صاحب نظر انسانی می بینیم.

در عرصه مبارزه سیاسی آنچه بویژه احترام ما را نسبت به شریعتی برمی انگیزد صداقت، پیگیری و روشن بینی اوست که لحظه ای سمت اصلی ضد امپریالیستی مبارزه را رها نکرد و هرگز بتکر سیاست بازی و سازش نیتاد و بگفته خویش «حسین واره» تا پایان

دردشمن یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که ادامه بازداشت گروگانها روز بروز برای ایران گرانتر تمام خواهد شد. ضمناً اعلام شده است که تا نگاهی که برنگ صحرا رنگ آمیزی شده و کشتیهای مخصوص پیاده کردن و توب و وسائل ضد تانک و جنگ افزارهای دیگر از پایگاههای نظامی آمریکا به «پورت هلند» حمل می شود هفته آینده ۸ کشتی باری حامل اولین پارتی جنگ افزار و مهمات جنگی بطرف منطقه استقرار واحدهای نیروی دریایی در نزدیکی سواحل ایران حرکت خواهد کرد.» (کیهان، ۵۹/۲/۲۵)

«مقر تفنگداران دریایی آمریکا در واشنگتن اعلام کرده دو انچه هزار عضو لشکر هفتم زیرزمینی - دریایی تفنگداران دریایی باید بتوانند در صورت بحران خود راه منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس برسانند.» (پامداد، ۵۹/۲/۲۷)

امپریالیسم آمریکا همچنان که بارها و بطور سریع و روشن بیان کرده، در تهاژ و نظامی خود به ایران از کمک و یاری جاسوسان و عمال داخلی برخوردار بوده است. اخباری که هر روز میرسد، حکایت از فعالیت وسیع این مزدوران دارد:

«جرج ویلسون نویسنده امور دفاعی روزنامه «واشنگتن پست» در شماره مورخ ۲۸ آوریل ۱۹۸۰ این روزنامه افشاء میکند که حداقل ۲ گروه ایرانی قرار بود در انجام عملیات نجات، آمریکائیها را یاری دهند.» (پامداد - ۵۹/۲/۲۱)

«دانشمند فنی جوانی عضو شورای انقلاب در مورد شناسایی عوامل داخلی و کسانی که انداخته با آمریکائیها همکاری کردند، اظهار داشت: در این مورد مقداری مطالب تهیه شده که اسناد و گزارش کامل آن به امام و شورای انقلاب داده شده است.» (اطلاعات، ۵۹/۲/۲۲)

«مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران مشهد گفت: ما اخیراً موفق به دستگیری تنی چند منجمله ۲ آمریکائی مشکوک شده ایم که ایشان دارای کارت خبرنگاری از وزارت ارشاد ملی بوده اند.» (انقلاب اسلامی - ۵۹/۲/۲۳)

«رئیس جمهوری بنی صدر در مصاحبه خود گفتند: «همین امروز صبح از آمریکا یک کسی که به اطلاعاتی دست یافته بود، بمن تلفن کرد و گفت که ۹۶ آمریکائی را اینجا، در مناطقی پیاده کرده اند و قرار است تا هفته دیگر خرابکاریهایی بکنند.» و ۱۹۰ ایرانی که سالها در آمریکا بوده اند، روانه ایران شده اند برای اجرای این کار.» (بنی صدر - پامداد، ۵۹/۲/۲۵)

«فرمانده سپاه پاسداران خراسان گفت: بدون تردید عوامل داخلی با آمریکا همکاری میکنند و به همین دلیل بوده که ما مرتب با تهران تماس می گرفتیم و الا ان هم تماس می گرفتیم. آنچه مهم است این است که این عوامل باید شناسایی شوند و این عوامل مارجا هستند.» (انقلاب اسلامی - ۵۹/۲/۲۵)

ای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

مارکسیست‌های اصیل، پشتیبان راستین...

پتیه از صفحه ۸
در کردستان درجهه ضد انقلاب عمل میکنند.

«کومله» در کردستان به قدر حزب توده ایران نیز حمله می‌شود، چون حزب توده ایران، مجمع مارکسیست‌های اصیل است و در نتیجه انقلاب عمل می‌کند. مقامات مسؤول به این واقعه اذیت دارند و اگر طی سخنرانی‌های خود مارکسیست‌های ضد انقلاب را از مارکسیست‌های اصیل انقلابی - پشتیبان راستین انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تفکیک نکنند، باعث سردرگمی مردم در تفکیک نیروهای ضد انقلابی از نیروهای راستین انقلابی خواهند شد و این به نفع انقلاب و به زیان تقویت نیروهای انقلابی است. همان گونه که مثلا اگر «حزب خلق مسلمان» بدلیل آن که نام «مسلمان» بر خود نهاد، به عنوان یک نیروی ضد انقلابی، از نیروهای راستین انقلابی اسلامی تفکیک و معرفی نشود، به زیان انقلاب، به زیان بسیج و تقویت نیروهای انقلابی علیه ضد انقلاب است.

مارکسیست‌های اصیل - حزب توده ایران همه جا، چه در کردستان، چه در آذربایجان، چه در کارخانها برای جلوگیری از اعتصابات که به تحریک ضد انقلاب، از جمله مارکسیست‌ها، برای فلج کردن تولید می‌دهد، چه در روستاها، برای جلوگیری از خرابکاری فئودالها برای از بین بردن محصول، چه در مدارس و دانشگاهها، برای جلوگیری از تفرقه افکنی‌ها و درگیریهایی که بزیان وحدت عمل انقلابی است، چه در دعوت‌های نیروهای راستین انقلابی به وحدت عمل - قطع نظر از تعلق گروهی و مسلکی - بر ضد دشمن اصلی انقلاب - آمریکای جنایتکار، که مهمترین

وظیفه انقلابی است، چه در عطف توجه مداوم مردم به خطر امپریالیسم، پس کردگی آمریکا که سرسازش با انقلاب ایران ندارد و نمیتواند داشته باشد و لذا برای دفع خطر آن باید نهایت هشاری و آمادگی را داشت، پیوسته و دائما با تمام امکانات و با تمام نیروی خود از انقلاب ایران و از جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده، پشتیبانی میکند و پشتیبانی خواهد کرد. مارکسیست‌های اصیل - حزب توده ایران را، با هم مارکسیست‌های ضد مارکسیست (مائوئیستها) «قابل کردن»، ایجاد سردرگمی در تفکیک نیروهای انقلابی از ضد انقلابی است.

نه فقط در داخل، بلکه در خارج کشور نیز مفید و ضرور است که دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از یکدیگر تفکیک شوند، و چنانکه هستند، معرفی گردند. تمام کشورهاییک که رهبری آنها در دست مارکسیست‌های اصیل است (اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان، بلژیک، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، کوبا، ویتنام و...) تمام کشورها و نیروهای که در خط مارکسیسم اصیل حرکت میکنند (آنکولا، اتیوپی، جمهوری دموکراتیک خلق چین...)، تمام احزاب کمونیست و کارگری که از مارکسیسم اصیل پیروی میکنند، بدون استثنا از انقلاب ایران و از جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده‌اند و میکنند.

اینان را باید از «چین» که رهبری آن در دست مارکسیست‌های ضد انقلابی و دشمن هر جنبش و انقلاب رهاست، از جمله دشمن انقلاب ایران، تفکیک کرد، همانگونه که باید کشورهای اسلامی حامی جمهوری اسلامی ایران را از کشورهای «اسلامی» دشمن جمهوری اسلامی ایران (عربستان سعودی، مصر، عمان، پاکستان، عراق و...) جدا و معرفی کرد.

واقعه این است که خطه نبردین نیروهای داخلی و خارجی طرفدار و خواستار پیروزی انقلاب ایران، بقا و تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی ایران با نیروهای دشمن و خواستار انهدام انقلاب ایران و نابودی جمهوری اسلامی ایران از میان مارکسیست‌ها و مارکسیست‌نماها از یک سو و مسلمانان و مسلمانان از سوی دیگر نمی‌گذرد، بلکه بین نیروهای اسلامی و غیر اسلامی، از جمله مارکسیست‌های اصیل که دشمن امپریالیسم، خواستار استقلال واقعی و تمامیت ایران، قطع ریشه استعمار در ایران، ترقی و آزادی و آبادی ایران هستند از یک سو و امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم آمریکا، و همه متحدان اسلامی و غیر اسلامی آن از جمله «مارکسیست‌های» ضد مارکسیست، که خواستار تجدید سلطه امریمنی رژیم دست‌نشانده از نوع رژیم «آرپامه‌ری» (پاشاه یا بدون شاه) هستند، از سوی دیگر می‌گذرد.

این واقعه را چرا نباید دید و چرا نباید گفت؟ مگر دید و گفتن این واقعه به سود انقلاب ایران، پیروزی نهایی آن، آزادی و استقلال جمهوری اسلامی ایران نیست؟

تعیین مرز بین مارکسیست‌های اصیل و مارکسیست‌های بدلی و تشخیص مرز بین نیروهای هوادار انقلاب و ضد انقلاب، مسئله مهمی است که در واقع با سر نوشت انقلاب ایران بستگی دارد، زیرا در اینجا مسئله اتحاد نیروهای انقلابی، قطع نظر از تفاوت در عقاید مسلکی، مسئله شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران مطرح است. لذا ما در این باره با زهم سخن خواهیم گفت.

خطر امپریالیسم، عاجل...

پتیه از صفحه ۸
مشترک به مراتب بیش از آنست که در نظر اول تصور میشود.

عامل امپریالیسم طی دهها سال کوشیده‌اند نیروهای سیاسی - انقلابی ایران را علیه یکدیگر تحریک کنند و در میان آنان محیط خشونت و عدم تفاهم و عدم تحمل بیافرینند.

این کوشش متأسفانه بی‌ثمر نبوده و اینجا آنجا ذهنیت مسمومی ایجاد کرده‌است، که با وجود پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، هنوز بطور کامل از میان نرفته، ولی قطعاً باید از میان برود.

میزگرد اطلاعات یکی از گامهای مهم در راه آمیزان بردن این ذهنیت مسموم و کشف وجوه اشتراک و تقاضای است، که هم اکنون موجود است. بحث‌های این میزگرد نشان میدهد که در نبرد ضد امپریالیستی اختلاف اساسی میان نیروهای انقلابی ایران موجود نیست و نمیتواند وجود داشته باشد. برای شرکت کنندگان میزگرد تاکنون روشن شده است که انقلاب شکوهمند مردم ایران و دستاوردهای بزرگ آن به همه مردم ایران متعلق است. هر کسی که این انقلاب و دستاوردهای آنرا نبیند و نداند، انقلابی نیست، ضد انقلاب است. شرکت کنندگان میزگرد علاوه بر اتفاق توجه دارند که دستاوردهای انقلاب هم اکنون و بطور عاجل از جانب امپریالیسم جهانی و قبلاً همه امپریالیسم خونخوار آمریکای خطر افشاده و اتحاد برای دفاع از انقلاب امری عاجل، مبرم و ضروری است.

ما باید بتوانیم همان اتحادی را، که در نبرد علیه رژیم دست‌نشانده محمدرضا داشتیم، در دفاع از دستاوردهای انقلاب بوجود آوریم. قطعاً در جامعه ما قشرهای معینی وجود دارند که در نبرد ضد رژیم پهلوی و بیشتر در نبرد با شیوه استبدادی حکومت، با نیروهای انقلابی همراهی نسبی میکردند و امروز از پیروزی انقلاب نگرانند و از شرکت در پیروزی خود در جنبش پیشیمان، ولی توده اصلی مردم ایران، نه فقط از دستاوردهای انقلاب حمایت میکنند، بلکه می‌دانند که انقلاب در نیمه راه است و باید ضمن دفاع از دستاوردهای آن، در کار تکمیل بخشیدن و جاو راندن انقلاب بود. در بحث‌های میزگرد هم‌این مسائل و مباحث بزرگی از آنها مطرح شده و قطعاً در جلسات بعد مشخص‌تر و روشن‌تر مطرح خواهد شد.

از میان دعوت‌شدگان به میزگرد، سه سازمان از شرکت خودداری کرده و دلایلی برای عدم حضور خود

بیان کرده‌اند، که نه تنها قابل پذیرش نیست، بلکه تأسف‌آور است. از میان این دلایل، مطلب قابل ذکر اینست که برخی از سازمانها، اتحاد عمل نیروهای سیاسی را در نبرد ضد امپریالیستی و دفاع از دستاوردهای انقلاب ممکن و یا حتی سودمند نمیدانند و معتقدند که لازمه اتحاد عمل، وحدت ایدئولوژیک است.

در مطبوعات وابسته به این سازمانها نوشته‌های بالنسبه مفصلی برای توجیه و اثبات این نظر درج شده، که هیچ چیز را ثابت نکرده‌است جز اینکه برخی‌ها از اتحاد عمل نیروهای انقلابی بیم دارند و صلاح خود را - نصلاح انقلاب و مردم را - در این میدانند که محیط تفرقه و پراکندگی حفظ شود.

در واقع نیز اعلام وحدت ایدئولوژیک به مثابه اساس اتحاد عمل، به معنای نیست هر نوع اتحاد عمل است. اگر اصل را بر این بگذاریم، حتی سازمانهایی که خود را اسلامی میدانند امکان اتحاد عمل نخواهند داشت.

در جلسات میزگرد این اندیشه به میان آمد که سازمانهای سیاسی ایران از نظر ایدئولوژیک بر سه گونه‌اند: اسلامی، مارکسیستی، ملی. گفته شد که بهتر است هر یک از این سه گروه ابتدا حساب خود را با هم روشن کنند و به وحدت - یا اتحاد - درونی برسند، تا بعد بکنک اتحاد با گروه دیگری بیفتند.

ما در همان میزگرد گفتیم که اصولاً این نوع تقسیم‌بندی درست نیست و پایه علمی و واقعیت سیاسی ندارد.

وقتی سخن از مبارزه با امپریالیسم، برای حفظ دستاوردهای انقلاب و تکامل انقلاب است، نمیتوان و نباید نیروهای سیاسی جامعه را به اسلامی و چپ و غیره و غیره تقسیم کرد. مرز تقسیم در اینجا، انقلاب و ضد انقلاب است. نیروهای انقلابی، از هر ایدئولوژی و مسلکی که هستند، باید علیه نیروهای ضد انقلاب، از هر مسلکی که باشند، متحد شوند.

از طرف برخی از سازمانهای اسلامی حاضر در این میزگرد این پیشنهاد مطرح شد که جریانی که گوناگون اسلامی با هم متحد شوند. نوشته‌های مطبوعات نشان میدهد که رئیس‌جمهور نیز هوادار این فکر است. تا آنجا که مسئله مربوط به سازمانهای اسلامی است، ما کاری به این پیشنهاد نداریم. این امر اختصاصاً مربوط به خود آن سازمان‌هاست. ولی در آنجا که موضوع به اتحاد عمل نیروهای انقلابی علیه ضد انقلاب در عرصه ایران و جهان

مربوط میشود، ما لازم میدانیم نظر خود را تصریح کنیم.

نخستین نکته‌ایکه باید در این باره گفت اینست که، بشهادت تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلام، وحدت ایدئولوژیک میان جریانهای گوناگون اسلامی کار آسانی نیست که در مدت کوتاهی به نتیجه برسد. لذا تلاش برای وحدت سازمانهای اسلامی - که کار خودشان است - نباید مانعی بر سر راه اتحاد عمل نیروهای انقلابی ضد امپریالیستی ایجاد کند. این اتحاد عمل ضرورت مبرم روز است و سازمانهای اسلامی هم در این عرصه ضرورت زودتی می‌توانند توافق برسند تا در مسائل ایدئولوژیک.

نکته دوم که باید بگوئیم اینست که، در برابر حزب توده ایران این مسئله، که ابتدا با سازمانهای با اصطلاح مارکسیست متحد شود، تا سپس با سایر سازمانها به همکاری برسد، قراض ندارد. بسیاری از گروه‌های خود را به مارکسیسم می‌بندند، دشمن مارکسیسم‌اند. آنها از جانب امپریالیسم، به قصد بی‌اعتبار کردن مارکسیسم، اخلال در جنبش انقلابی و برانگیختن مردم علیه جنبش کارگری ساخته شده‌اند. دشمنی که آنان از پشت به جنبش انقلابی ایران وارد میکنند، دشمنی سیاسی - مسواک است، که به دروغ و تقلب روی آن مسواک کمونیستی زده‌اند.

بین حزب توده ایران و این گروه‌های «چپ» آمریکایی هیچ وجه مشترکی وجود ندارد و لذا این توصیه، که گروههای مارکسیستی میان خود به توافق برسند، تا بتوانند با گروههای اسلامی سر میزی بنشینند، بی محتواست.

با توجه به آنچه گفته شد، معیار و میزان همکاری - و یا آنچه شرکت کنندگان میزگرد تعریف و تعیین کردند - هماهنگی میان سازمانهای سیاسی ایران، وفاداری آنها به انقلاب و آمادگی آنها برای دفاع از انقلاب است. این سازمانها باید در یاره خطری که از جانب امپریالیسم انقلاب ایران را تهدید میکند و درباره اقداماتی که برای مقابله با این خطر باید انجام گیرد، با هم توافق کنند. زمینه این توافق هم اکنون وجود دارد.

مطبوعات کشورهای امپریالیستی، که گوشه‌هایی از توطئه پر دامنه مخالفت نظامی آمریکا در ایران را در ارتباط با حادثه طیس افشاء کرده‌اند، روی این مطلب تکیه داشتند که قرار بود کماندو - های آمریکایی و متحدین آنها در ایران، با چوب و

چماق در خیابانها براه افتند و شمارهای ضد کمونیستی بدهند. حساب تنظیم کنندگان توطئه این بود که، چنین منظره‌ای در تهران عجیب نخواهد بود و حساسیتی ایجاد نخواهد کرد و لذا گروههای توطئه‌گر خواهند توانست به هدف خود برسند. ما در ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ نیز شاهد همین منظره بودیم. جو ضد کمونیستی و ضد توده‌ای بدست‌دامن زده شده بود که روز ۲۸ مرداد، وقتی شعبان بی‌مخ‌ها در خیابانها با شمارهای ضد توده‌ای براه افتادند، تا چند ساعت مردم نمی‌دانستند که منظور آنها چیست. عده‌ای گمان میکردند که همان کار عادی هر روز است. حتی برخی از رهبران جنبش گمان میکردند که موضوع مهمی نیست و مثل همه روز - های دیگر است.

اگر ما امروز روی ضرورت هماهنگی نیرو - های ضد امپریالیستی تاکید میکنیم، برای اینست که این اسلحه را از دست دشمن بگیریم و محیطی بوجود آوریم که وقتی کماندو آمریکایی با همدست سوادکیش در خیابان ظاهر میشود، مردم در تعیین هویت او اشتباه نکنند و عکس‌العمل نشان دهند. ما می‌خواهیم محیطی بوجود آید که بیش از همه بسود انقلاب و بزیان ضد انقلاب باشد.

چنانکه در آغاز گفتیم، برخی از سازمانهای انقلابی دعوت روزنامه اطلاعات را برای شرکت در میزگرد نپذیرفته‌اند. این امر موجب کمال تأسف است. ما در جلسه میزگرد نیز تأسف خود را ابراز کردیم و علاقه خود را بشرکت هر چه وسیعتر این سازمانها در کار تأمین هماهنگی نیروهای ضد امپریالیستی بیان داشتیم. در اینجا نیز نظر خود را یکبار دیگر تصریح و تاکید می‌کنیم و به همه سازمانهای انقلابی، که به میزگرد دعوت شده، ولی آنرا نپذیرفته‌اند، خطاب می‌کنیم که:

هجوم وسیع ضد انقلاب به دفاتر حزب توده ایران در کردستان...

مندی ۷ - مصطفی ایلخانی زاده ۸ - افتخاری ۹ - تهرمانی ۱۰ - عزیز الیاسی ۱۱ - محمد حسن خالی (که در دفتر را ازجا کند) ۱۲ - یوسف حسن خالی.

هجمتی در میان تظاهر کنندگان، سپید جمال سیاحی (دعا نویسی)، که از افراد مشکوک وساواکی است، دیده شده است. بیشتر اخلال‌گران را افراد غیر بومی و کسانی که از شهرهای بوکان و سقز و سنندج آمده بودند، تشکیل میدادند.

در این هنگام یکی از مسئولین نظامی حزب دمکرات بنام سرگرد سیاحی در محل حاضر شد و ضمن یک سخنرانی از آنان خواست تا محل را ترک کنند. حاضرین رفتن سرگرد سیاحی، گروههای محرمک و تحریک‌کننده از تجمع دست برداشته و شمارتصمن در مقابل دفتر را مطرح کردند. در این هنگام رئیس شورای شهر به محل آمد و از حاضرین خواست تا این وضع دایمان دهند، ولی با درخواست او نیز مواظقت نشد و چنانچه گروههای محرمک و تحریک‌کننده تا یک ساعت و ربع بعد از نیمه شب ادامه یافت. پس از متفرق شدن افراد نامبرده، تا صبح مراقبت از دفتر فرشی نثریات حزب را افراد شورای شهر و اعضا هواداران حزب توده ایران به عهده داشتند.

فرداصبح محرکین با سردیگر در جلوی دفتر تجمع کردند و تشریفات را ادامه دادند. در ارتباط با این جریانات شورای شهر مه‌باد تشکیل جلسه داد و دعوت از گروههای سیاسی خواستار رسیدگی باین وضع شد. در این جلسه، نماینده حزب دمکرات، ملا عبدالله حسن زاده اظهار داشت که عمل حمله از جانب این افراد را محکوم میدانند. نماینده چریکها کومله در جلسه شرکت نکردند ولی با تلفن اطلاع دادند. حمله از جانب محکوم است و اعضا و هواداران آنها در این جریانات شرکت نداشته‌اند. شورای شهر اطلاعاتی را انتشار داد و ضمن تمسک ساختن نظریات گروههای فوق در آن، از مردم خواست که از اینگونه اعمال تحریک‌آمیز جلوگیری نمایند.

مقاومت دلیرانه و طولانی اعضا و هواداران حزب توده ایران و همیاری برخی افراد سازمان جوانان حزب دمکرات و پیشمرگان اعزامی از جانب شورای شهر، خشم و نفرت مردم مه‌باد را نسبت به عاملین این عمل ضد انقلابی و خود این عمل پراکنجیت، زشتی این آهنگی که امیدوار بودند ساید بدین ترتیب از دلایت یکپسیرترین سازمان سیاسی خصم امپریالیسم آمریکا و جنگ افروزان مخالفت شود، آنرا محکوم کردند.

در آن روز دفتر حزب توده ایران توسط گروههای تحریک‌کننده و عناصر ضد انقلابی مورد حمله قرار گرفت و در آتش سوخت در این حمله، از جمله گروهک ضد انقلابی و مائوئیستی «حزب نخبیران» نقش فعال و مسرک داشت. بهنگامیکه دفتر حزب توده ایران در آتش مسوخ، ضد خیرکار آمریکایی در کنار یکی از محرکین (از گروهک ضد انقلابی «حزب نخبیران») ایستاده بود و آتش گرفتن دفتر فیلمبرداری میکردا

مف طولین شهدای حزب توده ایران، که در راه آرمانهای استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران و دمیارد علیه امپریالیسم آمریکا در نیمه دست نشانده‌ای جان باختند، گواه این مدعاست.

حزب توده ایران ۳۸ سال است که بعنوان یکپسیرترین سازمان سیاسی خصم امپریالیسم آمریکا و معاشل می‌رود و در این راه با توطئه‌های رنگارنگی از جانب این دشمن همدار و جنایتکار خلقهای زحمتکش کشورمان در پیرو بوده و تأثیر روزی قطعی خلقهای ایران و تحکیم استقلال سیاسی و کسب استقلال کامل اقتصادی، نظامی، فرهنگی و نیز در پیرو خواهد بود.

حزب توده ایران در این راه سرنگ از هیچ‌گونه جانبازی و فداکاری دریغ ننهاد و در زیند و هیچ‌گاه نیز موضع اصولی خود را از دست نتواند گذارد.

هیچوم به دفاتر حزب توده ایران برای اولین بار واقع نمیشود و تاوست امپریالیسم و معاشل بطور کامل از کشور ما کوتاه نشده، بیشک آخرین بار نیز نخواهد بود.

آنانکه با این اعمال میکوشند حزب توده ایران را از راه خویش، که همانا راه استقلال، آزادی و سعادتمند مردم در پیوند کشور ماست، با زدن راه، راه عیبی می‌روند. آنها تنها ورشکستگی خویش و شکست توطئه‌ها و معاشل‌های خود را به نامایش میکشاند، لاف‌باز.

حمله ضد انقلاب در مه‌باد

افراد ناآگاه و غیرمسئول در تاریخ ۲۲۵ به تحریک عناصر ضد انقلابی به دفتر حزب توده ایران در مه‌باد حمله کردند. جریان واقع‌مچین بود.

۲۲۵ شمع جنازه یکی از افراد پیشگام بنام کافر، از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق در مه‌باد صورت گرفت، که در انتهای آن سخنرانی تحریک‌آمیزی ایراد کردند.

بعد از خاتمه مراسم، عده‌ای با دادن شمارهای تحریک‌آمیز پسوی دفتر فرشی نثریات حزب توده ایران براه افتادند و در سنده ایجاد آشوب و اغتشاش برآمدند. این توطئه با عکس‌العمل بموقع اعضا و هواداران حزب توده ایران خنثی شد و نقشه محرکین و گروه تحریک‌کننده، که در صدد با تشکیک دفتر بودند، عقیم شد.

حدود ساعت ۷:۳۰ دقیقه بعد از ظهر همان روز، بار دیگر همان عده افراد غیرمسئول در جلوی دفتر تجمع کردند. این عده تا تاریک شدن هوا از هیوم مستقیم به دفتر خودداری کردند، ولی در پی تاریک شدن هوا و شروع به تهاجر و دستکوردند، که در آنجا اسباب آنها، ظرفی از شراب معیوب و مسدود شدند.

مقاومت قابل تحسین و دلیرانه اعضا و هواداران حزب توده ایران باعث شد که هر تپ سنگ و آجر از طرف مهاجمین قطع شود، اما دافع‌های تحریک‌آمیز از طرف محرکین ادامه یافت.

محرکین اصلی این حوادث عبارت بودند از: ۱- گروهی حاچی میهارت ۲- سیاحت ۳- سعید و پراهمیم ۴- باطاهر ۵- جمال مهدی ۶- رحمت شوبی ۷- ناصر شیخ -

افراد غیرمسئول به تحریک عناصر جنگ افروز ضد انقلابی، دفاتر حزب توده ایران در شهرهای مختلف کردستان را مورد حمله قرار دادند. این وقایع بویژه در شرایطی اتفاق می‌افتد که با پیام آقای بنی صدر رئیس‌جمهوری بر اجرای طرح ۶ ماده ام‌صوبه شورای انقلاب توسط آقای فروردین پور، تأمین خودمختاری در استانها و صرف ۲۰ میلیارد ریال برای آبادانی در کردستان، روزنه جدی صلح در کردستان پدید آمده‌است. امری که جنگ افروزان و عمال امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق از آن به شدت ناراضی و نگرانند.

بیهوده نیست که در چنین شرایطی که می‌رود تا صلح در کردستان، همراه با تأمین حقوق حقه خلق کرد، اتحاد ضد امپریالیستی خلقهای ایران را تحکیم و تثبیت نماید و جبهه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و عمال آنرا تقویت کند، سوداگران مرگ و خون و کسانیکه زندگی انگلی و جنایتکارانه و یا توطئیه‌های ماوراء انقلابی آنها، تنها با ریختن خون مردم بیگناه کرد و آواره شدن آنها تأمین و دلالت می‌شود، از این واقعه بیشک باخند و بر حزب توده ایران خشم بگیرند.

این واقعه‌ای انکارناپذیر است که حزب توده ایران هوادار منادی صلح در کردستان بوده است، هوادار در افشای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و معاشل برای ایجاد جنگ بسرادکشی در کردستان کوشیده‌است و هوادار دفاع از دستاوردهای انقلاب و تحکیم، تثبیت و تعمیق جنبه ضد امپریالیستی آنرا، بر مسائل دیگر مرجع دانسته و تاکید کرده است که حل مسائل و دشواریهای دیگر، تنها از راه تمیق و گسترش جنبه ضد امپریالیستی انقلاب امکان پذیر است.

حزب توده ایران بارها و بارها به مسئولین جمهوری اسلامی ایران و نیز نیروهای صادق، مترقی و انقلابی در کردستان یادآوری کرده‌است که راه حل مسئله کردستان، راه جنگ برادرکشی نیست. این راهی است که دشمن اصلی ایران، یعنی امپریالیسم جنایتکار آمریکا و همچنین رژیم بعثی عراق میکوشند آنرا بر مردم ایران تحمیل کنند، میان خلقها تفرقه بیندازند و جمهوری اسلامی ایران را به نابودی بکشانند. حزب توده ایران تا کنه کرده‌است که خلق کرد خواهان جنگ نیست، بلکه صلحی در اتحاد ضد امپریالیستی با دیگر خلقهای ایران را می‌طلبد.

در چنین شرایطی، علت هیوم عناصر جنگ طلب و ضد انقلابی به دفاتر حزب توده ایران در کردستان، بویژه در پیروزی نسبی صلح در این سرزمین در پیوند، کاملاً آشکار و طبیعی است.

حزب توده ایران در طی ۳۸ ساله که از عمر پراش می‌گذرد، نشان داده است، به خاطر تحقق آرمانهای و آلائی ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی‌اش، هوادار برای هر گونه جانبازی آماده است.

این هفته در نامه مردم به زبان کردی میخوانید:

کردستان به کجا میرود؟
خط خلق
قلنداره مردم سقز
خط ضد خلق
وضع دامداری در منطقه مه‌باد
ناسامانی دهکده - یا قول
در منطقه مه‌باد
«کومله»، از فئودالها دفاع می‌کند
و چند خبر و مطالب متنوع از مطبوعات کشور.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

استاد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشر در نامه مردم: «رگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.»

کارخانه گچ رامهرمز در یک نگاه

کارخانه ۱۰۰۰ تنی گچ رامهرمز در دامنه کوه رامهرمز (دنباله کوههای زاگرس جنوبی) قرار دارد. عملیات بتن ریزی و ساختمانی نصب کارخانه از آفریما ۱۳۵۵ شروع شد و در اوایل سال ۱۳۵۷ اولین محصول خود را به بازار عرضه داشت.

این کارخانه ساخت بی.اس.ای آلمان فدرال است و توسط کارشناسان آلمانی، بلژیکی و فیلیپینی نصب شده است. قرار بود با استفاده از مواد خام منطقه، کارخانه‌های سیمن، آهک و آج هم در محل احداث شود، ولی تا بحال این کارها صورت نگرفته است. در این کارخانه ۱۸۰ نفر کارگر ساده، راننده، تکنیسین و کارمند کار میکنند.

کارخانه گچ رامهرمز بزرگترین واحد تولید گچ ایران است. سوخت آن مازوت است و از برق فشارقوی برای حرکت نوار استفاده میشود. در ضمن پاکت‌خالی گچ از فیلانده وارد میشود. **خواستها و پیشنهادهای کارگران**

۱- پرداخت وام مسکن و پرداخت کارگران مسایل ایمنی و تامین خدمات بهداشتی و درمانی

۲- تامین حق کار برای افراد بومی، خصوصاً افرادی که در جوار کارخانه سکونت دارند. همچنین وضعی بیش یابد تا کارگران ضمانت کاری داشته باشند.

(هرگاه نمایندگان کارگران جهت دریافت حقوق قانونی خود مراجعه میکنند یا توسط کارفرما همکاری مقامات مسئول آنها را اخراج میکنند.)

۳- دولت نه تنها باید از تعطیل شدن کارخانه جلوگیری کند، بلکه با چاره‌ریشته کردن کارخانه میتواند عدم‌زیادی از بیکاران منطقه را جذب کارخانه کرد.

۴- مدیریت و برنامه صحیح می‌تواند بازده کارخانه را چند برابر کند. متأسفانه کارفرما با تعقیب برنامه‌های سوء خود انتظار دارد امتیازاتی بفرج خود و ضرر کارگر از دولت کسب کند.

کارفرما مدعی است که کارخانه ضرر میدهد، در صورتیکه کل هزینه‌های ماهانه حدود پانصد هزار تومان است و درآمد ماهانه بین ۶ تا ۷ میلیون تومان برآورد میگردد. ناگفته نماند که اخیراً قیمت یک کیسه گچ از ۸۰ ریال به ۹۰ ریال ترقی یافته است.

وضع کوره‌های کارخانه بسیار خراب است و کارگران تاکنون با چنگ و دندان از تعطیل شدن کارخانه جلوگیری کرده‌اند، ولی آینده مبهمی در انتظار آنان است.

کارگران کارخانه نگران حال و آینده کارخانه‌های هستند که عمداً توسط کارفرما با برنامه‌های حساب شده روبرو می‌شوند. کارفرما با انقلاب از امتیازات و امکانات بیهوده برخوردار بود و در کارخانه هم یک حالت دردیسیه‌بینی نظامی برقرار کرده بود، ولی بعد از انقلاب آن امکانات از او گرفته شده است، که او در صدد احیای آنهاست.

گرم‌درد و مسایل یدکی و فقدان کارشناس فنی؛ بعنوان نمونه در قسمت سنگ کارخانه. بعلم می‌رسانند نبودن، فوندیش (تراز) دچار شکستگی شد که مجبور شدند بلیزرینگ کپنه سوار کنند.

فقط کوره کوچک، که ظرفیتش ۴۰-۴۲ تن در ساعت است، کار می‌کند، آنهم بعلمت خرابی بدنه‌ها که هر روز بیشتر میشود. فقط حدود ۳۰ تن در ساعت بازده دارد. کوره بزرگ، که ظرفیت آن ۱۰۰ تن در ساعت است، در ارتباط با کارخانه سازنده‌اش (بی.اس.ای آلمان فدرال) کار نمی‌کند.

کارخانه فاقد وسائل ایمنی، درمانگاه و آمبولانس است. در این کارخانه کارگرانی یافت می‌شوند که از سال ۱۳۵۵ تاکنون حق بیمه پرداخت کرده‌اند، ولی از مزایای بیمه برخوردار نیستند. (بعلمت عدم رعایت مسایل ایمنی، کارخانه تاکنون نتوانسته پروانه لازم را از اداره کار دریافت کند.)

عدم مدیریت صحیح؛ قسمت‌های مختلف کارخانه هیچگونه هماهنگی بایکدیگر ندارند.

شورا: کارگران به شوری پنج‌نفری خود اعتماد کامل دارند، ولی کارفرما توسط عوامل مزدخودگرد در کارخانه گمارده است، سعی در پراکنده کردن اعضاء شورا می‌کند. کارفرما سعی دارد افرادی را که در جهت آگاهی کارگران برای گرفتن حق خود می‌کوشند، از کار اخراج کند. چندی پیش کارفرما حکم اخراج ۲۸ نفر از کارگران آگاه و فعال را صادر کرد، که با مخالفت سایر کارگران روبرو شد. بعد تصمیم گرفت که ۵ نفر از آنها را به جبهه سازندگی بفرستد و بقیه را به مس‌کار برگرداند. در نتیجه مبارزه کارگران ۳ نفر از آنها به مس‌کار بازگشتند و مبارزه برای بازگرداندن دوفتن دیگر به کارخانه ادامه دارد.

مدیر عامل: مدیر عامل بی‌سعه عنوان حاضر نیست بطور عادی حقوق قانونی کارگران را بپردازد. او اغلب در مقابل تقاضای بنطق نمایندگان کارگران می‌گوید: «لادرم» پروید بجای طلبان کارخانه را بپردازد برای خودتان». و می‌گوید: «ما کاری نمی‌کنیم که دولت مجبور شود کارخانه را بدارد و فراموش ما را بداند».

کارفرما بعد از دخالت کمیته، به‌عوض پرداخت ۷ ماه سود ویژه برای مدت دوسال، فقط به تفاوت تاسه ماه وده روز سود ویژه پرداخت کرد.

رابطه کارخانه با عمران شهر

شهر رامهرمز از آب و برق نامرئی برخوردار است. علاوه بر آن باید احتیاجات کارخانه گچ رامهرمز را تامین کند. در ناحیه‌های که کارخانه قرار دارد، احتیاج مریس به یک جاده کمریندی احساس میشود، ولی مسئولین کارخانه راضی به احداث این جاده نشده‌اند و عبور ماشین‌های سنگین، خطرات زیادی برای مردم بوجود آورده است.

قبل از بیروزی انقلاب، سهامداران از آزادی عمل مطلق در تصمیم‌گیری‌های خود در مورد کارخانه، قیمت‌گذاری، استفاده از منابع ملی، معاینات مالیاتی و تسهیلات دیگر برخوردار بودند. پس از بیروزی انقلاب، دیگر کارفرما نمیتواند مثل سابق از موقعیت خود سوء استفاده کند و ثروت ملی را به یغنه ببرد. اینست که مرتباً اشکالات تراشی میکنند، از توسعه کارخانه جلوگیری میکنند، بین کارگران نفاق می‌اندازد، مسایل یدکی وارد نمیکند تا دولت را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد و احتیاجات امتیازات ویژه‌ای کسب کند.

کارگران کارخانه گچرامهرمز در شرایط بسیار دشواری کار می‌کنند و امر اض‌گوناگون زندگی و سلامتی آنها را تهدید میکنند. دولت باید، هرچه زودتر در مورد آسایش و سلامتی این کارگران زحمتکش چاره‌ای بیاندیشد، تا آنها با فراغ‌بال بتوانند درام تولید شمرن‌تر واقع گردند.

درا راه برقراری یک نظام علمی طبقه‌بندی مشاغل

بازسازی با کارفرمایان طاغوتی، طرح‌های یکجانبه بدون محتوی تهیه کرده‌اند، دولت انقلاب باید این واسطه‌ها را از میان بردارد، نه اینکه از طبقه‌بندی صحیح مشاغل صرف‌نظر کند، که جلوی ترقی و تکامل کارگر را می‌گیرد. اگر چند سال بیکار و با افزایش تخصص و مهارت ما نتوانیم از ترمیم دستمزد استفاده کنیم، چه انگیزه‌ای برای ارتقاء مهارت خواهیم داشت؟

سال گذشته، وقتی حداقل مزد در همان طرح‌های ناصی تأثیر گذاشت، تا حدودی جبران استهلاک عمر کارگران در بعضی از کارگاه‌ها شد. اما اسامیل بند دوپخشنامه، کارفرمایانی را که به امید فرار از آنگین‌نامه ناصی طبقه‌بندی مشاغل امروز فراموش میکنند و تاکنون طرحی تهیه نکرده‌اند، برای همیشه آسوده خاطر گرد.

وزارت کار بجای بستن راه‌گوشه ارتقاء پایه کارگر میتواند ضوابطی را که بر پایه پرداخت مزد

از آغاز سال ۵۹، با اعلام حداقل دستمزد، که ۶۸ ریال به پایه مزدها و ۳۰ ریال به مزد هر پایه شغلی افزود، تهیه‌های طریقی جدید و هرگونه افزایش حقوق طبقات و پایه‌های شغلی ممنوع اعلام شده است. حال آنکه مطالبات اقشار مختلف کارگران، در ارتباط با درخواست ایجاد یک نظام طبقه‌بندی شغلی معنی به‌فراوان، مشاغل و اسناد استاندارد های مهارت، همچنان روبرو فزونی است.

کارگران که بحق در برابر فرسایش عمر و بالا رفتن مهارت و تخصص خود انتظار انسانی این تغییرات را در در آمد و مزد خود دارند، تا در برابر سختی زندگی و فشار کارانی مقاومت مخصوص خود را حفظ کنند، ازمانی که بند ۲ پخشنامه حداقل دستمزد برای ارتقاء شغلی آنان بوجود آورده، سخت گلمه‌نند، کارگران می‌گویند که اگر گروهی سوزجو بنام «موسسات طبقه‌بندی شغلی»

اخبار کارگری

با کارگران گمرک آستارا

این روزها گمرک آستارا یکی از گمرک‌های است که بعد از تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا و متحدانش، برائ ورود کالاها ضروری از کشورهای سوسیالیستی، جنب و جوش تازه‌ای بخود گرفته و هرروز کانیون‌ها و تریلی‌های زیادی برای حمل بار در این گمرک به توفیت ایستاده‌اند. بطوریکه یکبار از کارگران این گمرک می‌گوید:

«قبلاً در هفته چند تریلی بیخ‌چال‌دار می‌آمد، که آنها نیز مستقیماً به تهران میرفتند، ولی حالا حتی ترخیص کالا بر ایمان وقت زیادی می‌گیرد»

تخلیه و بارگیری و برخی دیگر از کارهای ضروری گمرک توسط شرکتی بنام شرکت انبارهای عمومی خزر - شرکت سهامی عام انجام می‌گیرد.

کارگران این شرکت جعلی خواهان ملی شدن این شرکت هستند. شرکت فوق دارای چهار لیفت‌تراک کوچک است، که کلاف بارگیری را در این شرایط نمی‌کند و از یک‌طرف باعث محط‌شدن تریلی‌ها و کانیون‌ها و از طرف دیگر موجب دیررسیدن برخی مواد اولیه ضروری مصرفی، مانند روغن نباتی و دیگر کالاها می‌شود.

کارگران این شرکت، به‌غیر از چهار راننده لیفت‌تراک‌ها، حدود ۳۶ نفرند. گمرک دارای کمبود کارگر است. این برای بارگیری کانیون‌ها ایجاد اشکال می‌کند.

دستبام زندگی است دستبام نان و آزادی است

داستان کار و آینده است سرپناه کودکانم

روقی بازار سرمایه است دستبام کنج جاوید است

کارگران این شرکت روزی ۸ ساعت کار می‌کنند و ۳۰ ساعت اضافه‌کار هفتگی دارند.

عدم‌ای از کارگران، با نشان دادن برخی کالاها که در گوشه‌های انبار شده بود، می‌گفتند:

«ما میدانیم که هموطنان ما هرچه زودتر باین کالاها دسترسی پیدا کنند، نیازهایشان زودتر برطرف میشود و باین وضعی که ما داریم این کار مشکل است.»

شرکت از بعد از ظهر روزی پنجشنبه تا صبح شنبه تعطیل میشود و این خود باعث تراکم کالا در محوطه گمرک میشود.

برای بیشتر این کارگران مسکن یکی از مشکلات اساسی است. به کارگران ماهی ۳۰۰ تومان حق مسکن داده میشود. کارگری می‌گوید:

«به کارگران دولتی ماهی ۲۵۰ تومان حق مسکن میدهند، ولی این قانون درباره ما صدق نمی‌کند. حق‌اولاد نیز تا دو فرزند بیا تعلق می‌گیرد.»

از حقوق این کارگران ماهی ۷٪ پاداش بیمه کسب می‌کنند، ولی همه آنها از این پاداش ناراحتند که دفترچه‌های بیمه اجتماعی‌شان همچنان بلااستفاده مانده، زیرا نسخه‌های نوشته شده در این دفترچه از طرف داروخانه‌های شهر آستارا پیچیده نمیشود.

بطور کلی کارگران این شرکت از دولت موارد زیر را خواستارند:

۱- ملی کردن شرکت، تا کارگران بتوانند از مزایای ملی شدن و استخدام رسمی بهره‌مند شوند.

۲- افزایش دستمزد در ارتباط با محتاج ضروری، بگونه‌ای که بتوانند از سطح حداقل هزینه زندگی برآیند.

۳- برخورداری از مزایای فترجه‌های بیمه.

۴- تامین مسکن برای کارگران فاقد مسکن و سایر مزایای قانونی.

تأمین شغلی هم ندارند. اگر یک روز مرض بشوند از حقوق به‌تنها خبری نیست، بلکه بواسطه اینکه بیمه هم نیستند، باید کلی هم خرج دوا و درمان بکنند.

البته قوانین کار در همه حامها یکسان نیست، اما در بیشتر حامها این وضع برقرار است.

بدلیل ضعف تشکل رحتی عدم تشکل صنعتی، عسادی کارگران حامها در گلو خفه میشود.

بعضی از کارگران بر حسب رابطه استاد و شاگردی که بین کارگران حام و صاحب حام وجود دارد، از اینکه امدای حقوق خود را بکنند، شرم دارند و حساب نان و نمک را می‌کنند. اما بیشتر آزیبم اینکه شغل خود را از دست بدهند، اقدام به اعتراض مثبت و موثری نمی‌کنند.

کارگران حمام را دریابید!

در قسمت عمومی دو کارگر معمولاً مشغول به کارند. حقوق این کارگران بسته به این است که آیا هر دو سرکار حاضرند و یا یکی از آنها. اگر هر دو سرکار حاضر باشند، حقوق روزانه آنها هر یک ۴۰ تومان و اگر یکی از آنها حاضر بود، مزد روزانه‌اش ۵۰ تومان خواهد بود. البته پول سیحانه و نهار هم باید از جیب خود کارگران پرداخت شود.

کارگران می‌گویند: «هفته چشم امید ماه‌مشتریان است که انعامی بیا بپردازند، والا باین حقوقی که می‌گیریم، حتی نان خالی هم نمی‌توانیم بپزوریم.»

کارگران حام از تعطیلی جمعه هم برخوردار نیستند و هیچگونه

نیافته است، زیرا نه حقوق کارگران به آن میزان است که بعنوان حداقل حقوق از طرف وزارت کار تعیین شده است و کارفرمایان مکلف به پرداخت آن هستند و نه روزانه کار آنها مطابق ساعت کار رسمی و قانونی کشور است.

از بیمه و حق مسکن و پرداخت اضافه کار و حق اولاد و دیگر مزایای کارگری هم محروم می‌شوند. حقوق روزانه کارگر متخصص این حام، که هم مسئول موتور سوخت و هم مسئول قست خصوصی حام است و ۶ سال سابقه کار دارد، با روزی ۱۵ ساعت کار، تنها ۷۰ تومان است. دستمزد بقیه کارگران از این مبلغ هم بسیار کمتر است.

این همه رنج و تلاش تنها نان بخور و نمیری نصیبشان میشود. کارفرمایان و صاحبان حامها کمترین توجهی به بهبود وضع کارگران نمی‌کنند.

از طرف دیگر وزارت کار نیز از رسیدگی به حقوق واقعی کارگران کوتاهی میکند. از جمله در حام شاد (که در زمان طاغوت حام شاه نامیده میشد) واقع در علی‌آباد خزان، این وضع حکمفرما است. کارگران زحمتکش این حام از صبح زود (ساعت ۵ بامداد) سر کار خود حاضر میشوند و یکریز تا شب هنگام (ساعت ۱۸) کار میکنند، بدون اینکه حتی یکساعت اضافه‌کار دریافت کنند.

بنظر می‌رسد که قوانین کارگری موجود در کشور به این حام راه

قابل توجه خبرنگاران نامه «مردم» در شهر ستانها

میرسد، اغلب تنها عکس خانه‌ها، کپرها، ویرانی محله گرفته شده است. این عکس‌ها لازم است، اما کافی نیست، در محلات فقر باید عکس انسان‌هایی که در آن شرایط زندگی میکنند نیز گرفته شود. بویژه تهیه عکس زحمتکشانی که هنگام تهیه گزارش با آنها گفت‌وگو میشود، حتماً لازم است.

در گزارش‌هایی هم که از زندگانی زحمتکشان، بویژه کارگران دهقانان تهیه میشود، باید حتماً به تهیه عکس آنها هنگام کار و چهره آنها توجه داشت. اینکه عکس‌ها باید زنده و هنگام کار گرفته شود، تا بتواند نحوه فعالیت زحمتکشان را نشان بدهد.

۱- اغلب عکس‌ها و ویا فیلماهایی که همراه گزارش‌ها و اخبار میرسد، فاقد شرح است. حتماً لازم است پشته‌قطعه عکس توضیح کافی در مورد آن داده شود. آنگاه قلم‌ها برای مامی فرستید، در نامه‌های همراه قلم بر حسب شماره، فیلما توضیحات آنرا بنویسید.

۲- مشخصات دقیق محلات فقر، و در صورت امکان، محل قرار گرفتن آنها را در شهر روی نقشه ترسیم کنید.

۳- هرگز گزارش و خبر باید شامل تاریخ روی دادن آن و نام شهر، روستا، کارخانه و محلی باشند که گزارش یا خبر از آنجا تهیه شده است.

۴- برای آنکه اشتباهی بخصوص در اسامی اشخاص و محله‌ها روی ندهد، اسامی دیوار و بزرگه و کاملاً خوانا نوشته شود.

۵- گزارش‌ها و اخبار را بیک طرف صفحه و با خط خوانا بنویسید، اگر با ما مشین تحریر باشد چه بهتر.

۶- نام «مردم»

هر روز دهها گزارش و سندها خبر از سراسر ایران که توسط رفقای حزبی و یا هواداران حزب توده ایران تهیه شده است، به نامه «مردم» میرسد. ما ضمن تشکر از همه خبرنگاران نامه «مردم»، رفقا و دوستان حزبی، خواهانیم که برای بهتر شدن گزارش‌ها و اخباری که بدست خوانندگان نامه «مردم» میرسد و همچنین سرعت پخشیدن به‌دج اخبار و گزارش‌ها، حتماً نکات زیر را در رعایت کنند:

۱- اغلب همراه گزارش‌ها، بویژه گزارش‌های محلات فقر و همراه اخبار، بویژه اخبار تشکیل نمایشگاه‌ها، عکس‌های رنگی برای ما فرستاده میشود. این امر در مورد گزارش‌های کارگری و دهقانی هم صادق است. از آنجا که عکس‌های رنگی در نامه «مردم» از نظر فنی قابل استفاده نیست و با اضافه چاپ و ظهور آنها مدت طولانی تلفاتاً در درجه اول برای ما عکس ویا فیلما سیاه و سفید می‌کشند. توجه میدهم که تهیه عکس‌های رنگی منتفی نیست و کسانیکه امکان دارند، میتوانند هر دو نوع فیلما هم رنگی و هم سیاه و سفید را تهیه کنند. در اینگونه مواقع میتوانی برای سهولت و سرعت کار، عکس سیاه و سفید و فیلما رنگی را برای ما بفرستید.

۲- در بسیاری موارد، از محلاتی که گزارش آنها تهیه و در روزنامه چاپ شده است، برای ما گزارش میرسد، برای مثال تاکنون ۳ گزارش درباره محله زنجان شمالی، که گزارش آن قبلاً در روزنامه چاپ شده، برای ما فرستاده شده است. تهیه این قبیل گزارش‌های تکراری تنها سبب هدر رفتن وقت میشود.

۳- در عکس‌هایی که از محلات فقر و زندگانی زحمتکشان برای ما

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

تاقط یه کامل سیستم بزرگ مالکی انقلاب در مخاطره مالکان بزرگ است

برای هبستگی با دهقانان زندانی و اعتراض به اعمال سدهدهانی دادگاههای صرف عدوانی، صبح روز دوشنبه ۵۹۲۰۰، قریب ۲۰۰ تن از کشاورزان و روستائیان اطراف مشهد، مقابل دادگستری این شهر، واقع در خیابان دروازه ملایر (سید حسن مدرس) گرد آمدند. کشاورزان، که در میان آنها چندین نیز دیده میشدند، خواستار لغو دادگاههای صرف عدوانی و وین آزادی آن عده از کشاورزان بودند که در چند روز اخیر با حکم دادگاه فوق و بنا به شکایت قوادلای منطقه بازداشت و زندانی شده اند.

روستائیان عمدتاً از قلاع (روستاهای) اطراف فردوسی آمده اند و نیز کشاورزان زندانی که تعداد آنها ۱۳ نفر است، همگی از روستای «منزل آباد» هستند. به غیر از کشاورزان این روستا، زحمتکشان دیگر روستاها نیز جهت اعتراض به بازداشت این کشاورزان در مقابل دادگستری حضور یافتند.

در مجموع می توان گفت که از مناطق فردوسی و اطراف قی و نیز برای سرکوب دهقانان و روستائیان عمل کرده است و بدین خاطر قاطمانه خواستار انحلال این دادگاه هستند. روستائیان در حالیکه عکسهای از امام خمینی در دست داشتند، شعار میدادند:

ارباب، ارباب مخالف امام است
هر کسی او را بگیرد، مقابل امام است
این دادگاه عدوانی منحل باید گردد
کشاورز مبارز آزاد باید گردد
اتحاد، اتحاد، سلاح مستضعفین
تفرقه، تفرقه، سلاح مستکبرین
مرگ بر آمریکا - مرگ بر فئودال
کشاورز می زندم - ارباب می لرزد

زمانی که از یکی از کشاورزان درباره دستگیری کشاورزان زندانی پرسش بعمل آمد، در پاسخ گفت:

«این روستائیان با توجه به فرمان امام، که از روستائیان خواستند تا زمینهای بلا استفاده را شخم بزنند و تولید کشور را بیشتر کنند، و نیز با همکاری جهاد سازندگی مشهد، به کشت این نوع زمینها پرداختند. اما اربابان و فئودالها که پس از انقلاب هارتز شده اند و به کشاورزان فشار بیشتری وارد می آورند، این بار نیز به اشکال متفاوت به آزار زحمتکشان روستا پرداختند. نخست موتور چاه آب را بستند، سپس با کشاورزان به نزاع پرداختند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و به اینجه قناعت نکردند و جباران را تا بدان حد رساندند که توسط دادگاههای فئودال پرور و وابسته از طریق «قانونی» روستائیان زحمتکی و مبارز را به بند و زندان بکشاندند.»

یکی دیگر از روستائیان می گفت:

«تپه نجات مایه روی از خط امام است و در این راه قبل از هر چیز باید طاعون نرا از ادارات پاکسازی و سفیه کرد، زیرا دهقانان بخوبی دریافته اند که فئودالها پایگاه داخلی آمریکا - شیطان بزرگ - هستند و با وجود عناصر وابسته به رژیم سابق در مصدر امور، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا نمی توانند حقوق خود را به دست آورند.»

نکته جالب توجه اینکه دهقانان و نیروهای جهاد سازندگی، که باین زحمتکشان در بدست آوردن خواستهایشان همکاری می کردند، با هوشیاری تمام این اعمال را آمریکائی میدانستند و نیز با سعی تمام مانع از ایجاد تفرقه در صفوف خود و با انحراف شعارها میشدند. البته در این میان عناصر و عمال فئودالها در شهر به تبلیغات سوء پرداختند و نیز به هر شکلی خواهان درگیری بودند. ولی روستائیان با هوشیاری توطئه های مالکان بزرگ و هندستان چپنمای آنان را خنثی کردند و در نهایت هوشیاری و آرامش اعتراض خود را به گوش مردم و مقامات مسئول رساندند.

همچنین در روز یکشنبه ۵۹۲۰۰، یک راهپیمائی با شرکت گروه کثیری از دهقانان روستاهای چناران، تپه گان، فریمان، کلات و چندین روستای دیگر، بدعت جهاد سازندگی در شهر مشهد برگزار شد. در این راهپیمائی نیز دهقانان خواهان انحلال دادگاههای صرف عدوانی شدند.

ابتدا دهقانان متشکل و در صفوف منظم خود به محل استقرار جاسوسان دیپلماتهای آمریکا رفتند و حمایت خود را از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اعلام داشتند. سپس راهپیمایان در محل دادگستری مشهد تجمع کردند. یک عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی بعنوان نماینده دهقانان با مقامات مسئول وارد مذاکره شد و خواست حقه آنان را مبنی بر انحلال دادگاههای صرف عدوانی اعلام کرد.

در حین مذاکرات دوفی از دهقانان برای روستائیان سخنرانی کردند. یکی از سخنرانان در بخشی از سخنانش خود گفت:

«این اربابها همه جا دست دارند، حتی در دادگاه، ولی ما به هر صورت که باشد، حق خود را می گیریم.»

دهقانی دیگر در قسمتی از صحبت های خود خطاب به دهقانان گفت:

«اتحاد خود را حفظ کنید و الا باز خان و خان پزیری راه می افتد.»

بعد از سخنرانی، یک قلمنامه قرائت گردید. در این قلمنامه آمده است:

«ما روستائیان همیشه سعی کردیم از کارهای طاغوتی این

این نمای عمومی ده دارنگون است و این است خانه های مخروبه دهقانان... و تا چشم کار میکند زمین.

این، «مش نعمت» ماست، دهقان ده دارنگون، که میگوید: باید زودتر به وضعیت برسند.

در روستای دارنگون، واقع در منطقه کوهمره، در غرب شیراز

فاصله روستا از شیراز ۴۳ کیلومتر است. جاده روستا بسیار خراب است و فقط ماشینهای جیب و سنگین می توانند از جاده عبور کنند. رودخانه قره آغاج در بین راه است در آن طیفانی که در زستان و بهار می کشد، حدود یک الی دو ماه رفت و آمد اهالی بسیر قطع میشود. انتخابات ریاست جمهوری هم در آن طیفان آب رودخانه در اینجا انجام شد.

جمعیت ده حدود ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر است. اکثریت اهالی بی سوادند. ده تقریباً ۴۰۰ هکتار زمین دیمی و آب دارد و حدود ۳۰۰ الی ۳۰۰ هکتار زمین بایر. خانه اهالی در سراسر کوهپایه ساخته شده است. وضع خانه ها اسفناپار است. مالکیت ده بصورت خرده مالکی است.

دهقانان کم زمین و بی زمین (خوش نشین) اکثریت اهالی ده را تشکیل میدهد. عده ای از اهالی هم کارگر شرکت حسین آباد هستند، که در چند کیلومتری ده واقع است.

ده یک دیستان ه کلاسه دارد ۱۰ نفر معلم. وضع بهداشت خراب است و برای کوچکترین بیماری اهالی باید به شهر بیایند. بایکی از دهقانان صحبت کردیم. راجع به وضع ده گفت: «خیلی ها بعلت وضع خراب بشهر رفته اند. من خودم بعلت بی زمین و بی زمین می خواهم بشهر بروم.»

به خانه کوچک خود، که روی صخره ها ساخته شده است، اشاره می کند و می گوید: «تا زمستان خانه ام تم می داد. یک عصر اینجا زندگی کرده ام. حالام که می خواهم روی زمینهای بایر خانه بسازم، مالکها زود شکایت می کنند. عده ای خون مردم را در شیشه کرده اند و اسم خود را حاجی گذاشته اند. اینجا از یزید هم بدترند. کسانی هستند که با رژیم شاه همکاری می کردند. ما زمین های با برار گرفتیم که خانه بسازیم، زمینهایی که صاصل کاشته نشده اند و سنگلاخی هستند. اما رفتند به دروغ قسم و آیه آوردند که زمین زراعی است. ولی دولت جانب ما را می گیرد. حالام هر کسی می آید به ما کمک کند، زود می گویند کمویست است. دولت را می گویند. حتی شیخ علیخان، که از شهر برای صحبت در مسجد ده می آید، یکبار گفت: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام کمویست هستند! وضعان جهاد سازندگی هم، مالکان میگویند کمویست هستند! وضعان اینطوری است. دیگر چنانمان بلب رسیده است. بی زمین یا کم زمین، گرانی، خانه خرابی.»

از او جدا میشویم. برخی از خانه های ده در زستان خراب شده است. کوچه های تنگ ده کثیف و پر از کثافت و پشه است. بچه های کوچک در لجن ها بازی می کنند. خانه های گلی، که در سراسر ساخته شده است، با کوچکترین زلزله یا بارندگی شدید خراب می شوند.

بهر سردی به نام مش نعمت می گوید: «خدا امام را حفظ کند. باید زودتر به وضعیت برسند. نه زمین داریم، نه درآمد درست حسابی. سرگیری نمی دانه چکار کنیم.»

اشاره به خرابی های ده می کند و میگوید: «این هم خانه من است، که زمستان خراب شده نه خدا کرم وسط صحبت می گوید: «هیچ چیز گیر نمی آید. گرانی است. مجبوریم صابون دستشویی بخیریم و تکه تکه کرده لباسشویم. وضعان خیلی خراب است. کسی بناد ما نمی رسد. اگر مرغی شویم، باید ۴۰۰ الی ۳۰۰ تومان ماشین کرایه کنیم بشهر برویم. غیر از خرج دکتر تازه اگر رودخانه راه بدهد. خیلی از ما از کوچکترین مرضی نامار گزیدگی مرده اند.»

مش قربان، دهقان دیگری، به خانه اش اشاره می کند و می گوید: «ما در این سوراخ زندگی میکنیم. می خواهم خانه بسازم. باید بیتی ۴۰ هزار تومان قرض کرده ام. مصالح گیر نمی آید و گرانی هم هست. دولت مستضعفان است. باید فکری بحال ما بکند.»

چهره های شکسته، کمر های خمیده، لباسهای زنده عادی ترین منظره ده است. دهقان دیگری می گوید: «باین همه زمین، اهالی اکثر کم زمین هستند. زمینهای آبی و دیمی خیلی جاها رهائنده و کشت نمی شود. زمینهای بایر هم بلا استفاده است. عده ای مالک دوره شاه با زودبند رفتند زمینها را به اسم خود ثبت کرده اند. زمین مال خداست. زمین که آباد نشده است، مالک نباید داشته باشد.»

از راهم خدا حافظی می کنیم. با تراکتور از رودخانه رد میشویم. کنار جاده منطقه نظامی دارنگون است، که در رژیم سابق هر هفته سدها تانک و زره پوش تمرین تیراندازی می کردند. هر هفته سدها هزار تومان صرف تمرینات می شد و اهالی هم در چنین وضعی زندگی می کردند. مقامات دولتی باید زودتر به وضع روستای دارنگون برسند.

اخبار دهقانی

این بنیاد مستضعفان است یا پایگاه مستکبران؟

اکثر زمینهای بیروند، که متعلق به اسدالله علم، فئودال، دزد و ستمگر و وزیر دربار شاه مخلوع بوده، بعد از انقلاب در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفته است. یکی از افراد جهاد سازندگی بهر چند می گفت:

«بنیاد مستضعفان بقول امام مبدل به بنیاد مستکبران شده است.»

اکثر نمایندگان این بنیاد را مباحران و تویولداران سابق تشکیل می دهند. این مباحران کسها را هم جنایات از باها کرده بودند، و اکنون در منازل مسافره شده به عنوان مستضعف زندگی میکنند. اولین گامی که باید جهاد سازندگی بردارد، افشای این عناصر است. جالب اینکه بنیاد مستضعفان به شیوه مسافره روستائیان را بکار می کشد. جهاد سازندگی در برنامه خود ترک این روش استعمار - کرایه را گامی عاجل برای طرد روابط استعماریانه بسیاد با دهقانان تشخیص داده است.

بدین ترتیب مشاهده میشود که با نفوذ افراد وابسته به گردانندگان رژیم سابق و به سیستم استعمارگرانه بزرگ مالکی، در برخی نقاط کوشش میشود که بنیاد مستضعفان را، کمی باستی مطابق با روح انقلاب، نقی ضد فئودالی و در جهت منافع روستائیان زحمتکش ایفا کند. مبدل به یک بنیاد مستکبر و استعماری نماید. این کوششها که با مخالفت عناصر انقلابی و متعهد روستایی خود، در جهت حفظ مناسبات بوسیده گذشته است. اقدامات این عناصر در نهادهای انقلابی نظیر جهاد سازندگی برای مقابله با خزیندگی شیوه های استعماری گذشته در جامعه بعد از انقلاب، بسیار مؤثر بوده و باردار کف و صمیمیت هر نهاد و وظایف انقلاب انجام می گیرد و در خدمت میلیونها دهقان رنج دیده قرار دارد.

روستای دیزج آباد در انتظار مواهب انقلاب

روستای دیزج آباد، یکی از روستاهای بزرگ زنجان و دارای ۴۰۰ خانوار است، که سالها تحت ستم و زور خانوانه ذوالفقاری ها (انفودالهای بزرگ زنجان) بودند و اثر همین زور - گوئی طی ۱۵ سال اخیر حداقل ۲۰۰ خانوار از این روستا مجبور به مهاجرت شده اند. محصول عمده روستا عبارت بقیه در صفحه ۶

هشدار!

فصل برداشت محصول نزدیک است. ضد انقلاب برای تضعیف انقلاب و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. خطر سوزاندن خرمنها توسط عناصر خود - فروخته ضد انقلاب وجود دارد. خطر فاسد شدن محصول بعلت نداشتن وسیله درو و جمع آوری وجود دارد. خطر بهیود رفتن محصول در نتیجه تخریب آن به قیمت عادلانه وجود دارد. خطر تحریک و تفاق افکنی و دعوا راه انداختن، که محصول را بیاد میدهد، وجود دارد.

● باید نیروهای انتظامی و نهادهای انقلابی را برای مراقبت از خرمنها بسیج کرد. ● تا وقت باقی است، باید ماشین درو و لوازم مورد نیاز برداشت را تهیه کرد و به قیمت نازل یا مجانی در اختیار دهقانان قرار داد و انبارها را آماده و ضد عفونی کرد. ● باید قیمت عادلانه خرید محصول دهقانان را از جانب موسسات دولتی تضمین کرد. ● موفقیت هر چه بیشتر در برداشت محصول، بسود خود دهقانان و بسود مصرف کنندگان شهری است، تحکیم کننده اقتصاد کشاورزی و موفقیتی است برای انقلاب ما.

دهقانان

از خرمنها محافظت کنید، جلوی خرابکاران و افراد مشکوک را بگیرید. با بهره ای از نفاق، با هشیاری، متحدان از محصول، که دسترنج شماست، دفاع کنید. محصول مال شماست، کشور ما بآن احتیاج حیاتی دارد. آنرا حفظ کنید.

دادگاه با صحبت کردن جلوگیری کنیم. اما دیدیم نخیر، برای آنان اربابها مهم است نه ما کشاورزان. در همین چند روز پیش عده ای دیگر از برداران روستای سرخاوند را این دادگاه زندانی کرد و دیگر صبر ما لبریز شد. بدین جهت ما گرد هم جمع شدیم تا این دادگاه اربابی را منحل کنیم و خواستهای دیگر خود را بشرح زیر اعلام می داریم:

۱- در شرایطی که شیطان بزرگ آمریکائی جنایتکار در صدد محاصره اقتصادی و حمله نظامی برآمده است، ما از تمام پیروان امام خمینی تقاضا داریم که از ما کشاورزان، که زمین را کشت کرده ایم تا ملت محتاج به گندم آمریکا نباشد، از ما محرومین و مستضعفین پشتیبانی کنند.

۲- باینکه یارها تذکر داده ایم، هم اکنون اعلام میکنیم که بزرگترین مشکل ما روستائیان حل مسئله زمین است، که قاطعانه می خواهیم هر چه زودتر زمینها را طبق قانون شورای انقلاب به ما روستائیان واگذار کنند.

۳- از همه مسئولین مملکتی و ارگانهای انقلابی می خواهیم که لایه توطئه گران و وابستگان به آمریکا، یعنی اتحادیه کشاورزان مکانیزه را منحل کرده و وضعی آنرا دستگیر کرده، مجازات نمایند.

در پایان نتیجه مذاکره نماینده جهاد سازندگی با مقامات مسئول ضمن برانحلال دادگاه صرف عدوانی، برای دهقانان خواستهای برحق خویش را بدست آوردند.

انحلال دادگاههای صرف عدوانی یک پیروزی بزرگ در مبارزات ضد فئودالی دهقانان استان خراسان است. ما این پیروزی را به دهقانان زحمتکش خراسان صمیمانه تبریک میگویم. مقامات مسئول باید با برسمیت شناختن حقوق دهقانی بر مبنای قانون و گذاری زمین به دهقانان تپیدست، که در شورای انقلاب تصویب شده است، ستم فئودالی را برای همیشه نابود کنند و با حمایت همه جانبه خود از دهقانان، امکان هر نوع توطئه ضد دهقانی و ضد انقلابی را در روستاهای کشورمان خنثی نمایند.

با تصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه ها، باین راه میروند

صد او سیماي... بقیه از صفحه ۳

صدای جمهوری اسلامی ایران شنونده پس از شنیدن این اخبار قاعدا باید نتیجه بگیرد که:

- ۱- آمریکا دیگر علیه ایران توطئه نمی کند.
- ۲- خطر تجاوز نظامی از جانب آمریکا مرتفع شده است.
- ۳- آمریکاییست های اروپای غربی در مسدود محاصره جدی اقتصادی ایران نیستند.
- ۴- خطر حمله نظامی شوروی به ایران وجود دارد.
- ۵- باید امیدوار بود که بتوان آمریکا را متقاعد کرد که در مقابل حمله نظامی شوروی به ایران از ایران حمایت نکند.

در پایان متذکر می شویم که در هفته (۲۶ تا ۲۹) یعنی هفته پس از تجاوز نظامی آمریکا به ایران، صدای جمهوری اسلامی ایران، ۹۴ خیر از ۱۶۱ خیر خود را از خبرگزاری های آمریکاییستی (نظیر اخبار موصوف) نقل کرده است (تقریباً ۸۰ درصد) ۱

تبلیغ برای رژیم نژادپرست افریقای جنوبی و سازمان «سیا»؟!

لازم به تذکر است که صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران بطور عمده، نسبتاً در مورد اخبار، بلکه در مورد فیلمها و برنامه های تولیدی از منابع آمریکاییستی - غربی و جری انقلابی را حمایت نمی کند و بدین طریق با پخش اینگونه برنامه ها، آگاهانه و یا ناآگاهانه، به گسترش نفوذ و سرزدگی در میان مردم و تحریف واقعیت غارتگرانه و ضد مردمی سیاستهای آمریکاییستی، بویژه آمریکاییست آمریکا، یاری می رساند.

برای نمونه میتوان از فیلم تبلیغاتی یاد کرد که در تاریخ ۱۸ اسفندماه در تئاتر و تریبون چهره چنایکتار رژیم نژادپرست افریقای جنوبی، از سیماي جمهوری اسلامی ایران پخش شد و نیز میتوان از قبلی تبلیغاتی برای معرفی چهره «سیا» یاد کرد که به تمامی طعیر این سازمان چنایکتار، فاسد و اهریمنی بود. در قبلی نخست، رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی که رژیم ایران رابطه خود را با آن به تمامی قطع کرده است، رژیم «قانونی» و طرفدار «ترمس» و «مدافع سیاهپوستان ناتوان و ضعیف» معرفی میشود و در قبلی تبلیغاتی دوم، که به احتمال قوی توسط «سیا» تهیه شده است، سازمان چنایکتار «سیه سازمانی عدل» و «با کارکنانی «لیبرال» و «جنتلنر»، که تنها بدلیل وجود کمیونیتها و برای مبارزه با آنها تشکیل شده است، وانمود میشود.

اینها نمونه های کوچک، اندک، ولی گویای از «مصرف» بی قید و بند و بی ضابطه تبلیغات آمریکاییستی توسط صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران است. بجزرات می توان گفت که در این عرصه، هیچگونه تقصیر جدی در بیان صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران در دوران پس از انقلاب بزرگ ایران، صورت نگرفته است. صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران بدینسان دنیارا بطور عمده از دریچه چشم ارگانهای تبلیغاتی آمریکاییستی می بیند و به مردم ایران توضیح میدهد، و این، یعنی کشاندن مردم ایران به ورطه سردگمی و آشفته فکری و انحراف فکری، یعنی همان دامی که آمریکاییست آمریکا آرزو دارد مردم ایران را بدان بکشاند و خود به هیچ دغدغهای، توطئه های خطرناک خود را علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان دهد.

برای شهیدان حزب و جنبش نامه مردم در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت شکن و متفرد خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده اند، جمع آوری کند. از همه همین درستان و آزادی خواهان تقاضا میشود که هر کسی از این مبارزان شهید دارد، به دفتر نامه مردم، مراجعه کنند. پاساس - نامه مردم

کاخ بیدار و بزرگندیم خامخوب بلا کشیم راه و

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و با ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشاد توکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه ایران شهر شمالی بپردازید. توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

رفیق زهرآینوید، سلام به رفقای عزیز و خستگی ناپذیر کمیته مرکزی رفا، چندی قبل، در پاسخ به فراخوان حزب در باره کمک به ساختن خانه حزب، نامه ای نوشتم که در نامه مردم درج کردید. منی برای اینکه کفایت بودم می خواهم تا بلو بدو و به روش دیویش را برای ساختن خانه حزب بفرستم. اینکار را کردم و تا بلو را دو ختم و مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال فرختم، که ۲۰۰۰ ریال هزینه برداشته بود، و بقیه را که ۱۳۰۰۰ ریال میباشد، تقدیم می دارم.

در ضمن فرارسیدن اول ماهه را به حزب طرازیون طبقه کارگر ایران و تمام کارگران جهان تبریک می گویم. با آرزوی موفقیت هر چه بیشتر برای شما عزیزانم و با درود به حزب پر افتخار توده ایران

شماره های گذشته نامه «مردم» - از شماره یک تا صد - برای فروش به طور تک شماره آماده است. به دفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

دومین شماره «دنیا» در سال ۱۳۵۹ بزودی منتشر میشود

روستای دیزج آباد

بقیه از صفحه ۵

است از گندم، جو و یونجه، که بیشتر کسای مصرف داخلی را می کند. کشت بصورت دیمی و آبی صورت می گیرد. زمینهای کشت بصورت آبی کشت میشود. بسیار است و کمبود آبی یکی از مشکلات است که سالها است با آن دست و پا میکنند. تقسیم آب در روستا بطور نسبی صورت می گیرد. اخیراً دست به احداث یک منبع آب زده اند، که هنوز ناتمام مانده است.

دامداری و پرورش گاو و گوسفند نیز در روستا وجود دارد، که بوسیله آن عده ای از اهالی به تهیه پنیر نیز مشغول اند. بانک کشاورزی به عده ای از روستائیان قیلا وامهایی داده بود، که دهقانان هم اکنون بملت عدم امکان مالی قادر به پرداخت آن نیستند.

در ده دبستان وجود دارد، ولی از مدرسه راهنمایی تحصیلی خبری نیست و البته از دانش آموزان فقط عده کمی موفق میشوند که برای ادامه تحصیل به شهر بروند.

از خواستهای مهم اهالی این روستا تأمین آب منروبی، تأسیس درمانگاه و رسیدگی به وضع بهداشت روستا، تأسیس مدرسه راهنمایی برای اهالی، کوتاه کردن دست فئودالها، بخصوص داروستانه ذوالفقاریها از این روستاست، که تاکنون روستائیان شکنجه و ظلمهای فراوانی از دستشان کشیده اند.

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند

پلزیك
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles

فرانسه
Rigal Albert
BP 75160
75001 Paris
France

انگلستان
P.O. Box 141
London. E7 OPE

ایتالیا
Pci, Shams
Via G. Vincon, 46
Ostia (Roma)
Tel 6614922 (TUDEH)

سوئد
Box 27730
27230 Stockholm

رشد صنعتی در کشورهای سوسیالیستی روزافزون است

اقتصادی، در سالهای ۱۳۲۹-۵۷، تولید صنعتی ۱۲ برابری، بدین ترتیب، میانگین سالانه آن یک رشد صنعتی در حدود ۹/۲ بوده است. یادآور می شویم، که این رقم برای سراسر جهان ۶/۳ است.

در کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی، انقلاب علمی- فنی، هر چه بیشتر، گسترش صنعتی را تعیین میکند. از این رو، در این کشورها در سالهای گذشته، بویژه به صنایع مهندسی و شیمیایی و صنایع های الکترونیک، مکانیک، ظرفیت و پیشرفت توجه شده است.

بیش از نیمی سالی، که از بنیانگذاری شورای همکاری اقتصادی میگذرد، مرحله ای بسیار مهم در گسترش صنعت، به مثابه عمده ترین شاخص اقتصاد ملی، بوده است. در سالهای ۱۳۲۹-۵۷، تولید صنعتی در بلغارستان ۲۲ برابری، در یوگوسلاوی ۸/۳ برابری، در رومانی ۱۳ برابری، در لهستان ۱۴ برابری، در آلمان ۸/۴ برابری، در رومانی ۲۹ برابری، در اتحاد شوروی ۱۱ برابری و در چکسلواکی ۷/۹ برابری، در جمهوری کوبا تولید ناویژه صنعتی در سال ۱۳۵۷، ۷۲ درصد بیشتر از رقم همانند در سال ۱۳۴۹ بود.

در مجموع کشورهای عضو شورای همکاری

در جهان سرمایه داری

افزایش تمرکز بنگاههای اقتصادی در کشورهای سرمایه داری

همپوستگی بین المللی سرمایه بدست میدهد، بار دیگر ثابت میکند، که امریالیسم انظر اقتصادی، در نتیجه از دیدگاه عملکرد سیاسی، پدید آمده است. جهانی، بنا بر این از نظر ماهوی میان امریالیسم آمریکا، انگلیس، و شرکای اروپای غربی و ژاپنی آن از سوی دیگر، فرقی بیابادی نمیتواند موجود باشد.

در سالهای اخیر، روند تمرکز بنگاههای اقتصادی در کشورهای سرمایه داری بیش شد یافته و پدیدایش انحصارات جدیدی انجام داده است. یکی از ویژگی های عمده این روند، گسترش این انحصارات به کشورهای اروپای غربی و ژاپن است، که در تشکیل بنگاههای چند ملیتی سهم بسزایی داشته است.

جدول زیر، که اطلاعات بیشتری در باره

تقسیم جغرافیایی پنجاه کنسرن عمده (۱) جهان سرمایه داری

کشور	شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد
ایالات متحده آمریکا	۴۴	۸۴/۶	۳۹	۸۰/۸	۲۱	۵۴/۴
بریتانیا کیبر	۳	۶/۷	۳	۴/۷	۳	۵/۲
بریتانیا/هلند (۲)	۲	۹/۸	۲	۷/۸	۲	۷/۶
سوئیس	۱	۰/۹	۱	۳/۲	۱	۱/۳
جمهوری فدرال آلمان			۳	۱/۴	۷	۱۰/۰
ایتالیا			۱	۱/۰	۱	۱/۵
هلند			۱	۱/۱	۱	۱/۸
ژاپن			۶	۷/۲		
فرانسه			۵	۶/۳		
دیگر کشورها			۳	۴/۷		
فروش (به میلیارد دلار)	۱۱۰	۱۳۰	۸۲۹			

(۱) از نظر فروش، (۲) رویال داچ شل و یونیون

فئودال های دیروز، «مبارزان» امروز



باید اینها را گفت. بخدا قسم است این هائیکه از آن ها بعنوان «مسلمان» اسم می برند، همانهایی هستند که بر مردن تهیدستان شاد بودند و بر فقر و فلاکتشان مغرور و مسرور. و امروز همان رنج کشیده گان سالیان معادلی، خود بر کشور حکمرانی می نمایند...

شعر
● «قطره های آزادی و برابری» شری است از محمود فلکی، که به مناسبت پیوستن «گروه آزادی و برابری» به حزب توده ایران سروده شده است. قسمتی از این شعر کوتاه چنین است:
جویبار زلالی / گفتند به رود پیوست / خنده زد رفیق / وقت / کدام رود / گفتند / رودی که از چشمه برابری بر آب می شود / رودی که دریای بیگانه آزادی / در / سیراب می کند ...
● حرکت تاریخ در راستای آرانی است، گفته رفیق طبری در باره دکترا رانی است.
منوچهر امینی در این رابطه شری سروده است، با عنوان «از تو... با فتح» که عیناً به چاپ می رسد.
در راستای تو با تاریخ / اکنون / از / اساتید بردگی و شکنجه تا امروز / از انبوه میهنهای ناخوانده / اساتید بردگی و اسارت / با تا نکها، توپها، مسلسلها، فاقو مها تا امروز / از امروز / از قبیله کارکنان و دهقانان / با پتکها، و داسها، و چکشها / تا سرود فتح کارخانه ها / تارویش سبز باغها / در راستای تو با تاریخ / اکنون / اکنون / در راستای تو ...
● «البرز می خندد» شری، از «ح. دامون» است. این شعر تحت تأثیر پایدردی «خرو گل سرخی» در پیدادگاه شاه جلاد، که با لیختن با استقبال مرگ رفت، سروده شده است. دامون خطاب به خرو گل سرخی میگوید:
از لیختن تو / ملاقات البرز / قامت خمیده خلق را / دوباره برافراشت / و خون تو / ویدان / بر پیراهن سپید دماوند / پرچم خلق شد، جاودانه در اهتزاز ...

قبل وبعد از انقلاب توجهن گشته است. در زیر بخش های کوچکی از این نامه چند صفحه ای را نقل میکنیم.
«عیان است که در این روزها یکی از موضوعاتی که مورد بحث است، با اصطلاح مسئله افغانست است. از کسانی که سرمایه و دست پاچه شده اند، باید پرسید، برای چه دست پاچه شده اند؟ بخاطر اینکه مردم زحمتکش زمام امور را بدست گرفته اند؟ بخاطر اینکه دیگر سرمایه داران نخواهند توانست کارکنان را استثمار نمایند؟ بخاطر اینکه دیگر خان و فئودال نیست که دهقانان را غارت کند...»

لطفاً فکر کنید چرا افغانستان عقب مانده ترین کشور در دنیاست... از ظاهر شاه، کسی که امروز یکفیه مدافع «اسلام» گردیده است، کسی که چهار سال بر مردمش ستم روا داشته است، پرسید، آیا نمی شد در ظرف ۴۰ سال برای خلق خویش زندگی مره بوجود بیاورد؟ آیا نمی شد در ظرف چهار سال افغانستان آباد و آزاد بسازد؟ آیا نمی شد رژیم پیدمالاری را تغییر شکل دهد...»

اینها حقیقتی است که ایرانیان ساکن مرز افغانستان نیز آگاهند. در آن زمان بود که دانشجویان و دانش آموزان علیه حکومت وقت تظاهرات می کردند، میگفتند نان نداریم، خانه نداریم، لباس نداریم، زمین نداریم، از گرسنگی می میریم، دولت با اصطلاح «اسلامی» وقت می گفت، اینها کافرند، خیر دین اند، خدا شناسی اند،

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

هرمان ایران با ۶ مدال طلا، نخستین جام تختی را فتح کردند



این پنج تن، حریفان هرمان بزرگ ایران غلامرضا تختی بوده‌اند. اینان هدایای از پابک تختی دریافت کردند

● در این مسابقات شوروی دوم و بلغارستان سوم شدند
● هنگام ورود رئیس جمهوری به ورزشگاه، تماشاچیان فریاد میزدند: بنی صدر، بنی صدر، المپیک، المپیک ...

ایران صاحب مقام اول نخستین دوره مسابقات جام تختی شد. نخستین دوره مسابقات جام جهانپهلوان تختی، که از روز چهارشنبه گذشته شروع شده بود، ساعت ۴۱ روز جمعه بازن یافت و تیم ایران با کسب ۶ مدال طلا و ۳ مدال نقره به مقام قهرمانی این مسابقات دست یافت. در این دوره از مسابقات، کشتی‌گیران کشور شوروی، بلغارستان، چین، پاکستان، رومانی، مجارستان و کوبا شرکت داشتند، که تیم های شوروی با ۳ مدال طلا، ۴ نقره و ۳ برنز و بلغارستان با ۱ طلا، ۳ نقره و ۴ برنز برتری بیس از ایران دوم و سوم شدند. آخرین کشتی آزاد جهانپهلوان تختی در حضور ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهوری برگزار شد. هنگام ورود ابوالحسن بنی صدر به سالن مسابقات، مردم در حالیکه فریاد میزدند: بنی صدر، بنی صدر، المپیک، المپیک، از وی تقاضای المپیک ۱۹۸۰ سکورا می کردند. مردم همچنین شعار می دادند: مرگ بر آمریکا!

محمود کاظمی را سناخته کرده پس از آن حسین فولادی نیز با ضربه فنی از مجبی شکست خورد. دور پنجم سخت ترین کشتی مجبی بود. اینبار مجبی با قهرمان شوروی، روسولان باداف رو برو بود. مجبی در کشتی زیبایی که گرفت، حریف خود را ۱۲-۴ شکست داد و در آخرین کشتی حیبی را با شکست مواجه ساخت و مقام نخست این وزن را نصیب خود کرد.

۸۴ کیلو - حسن مجبی در دور اول محمد رضا جانلو را ضربه کرد. در دور دوم در مقابل مسعود مقرمی با ضربه فنی پیروز شد و پس از آن شاهپور شهبازی در چهارمین دور با ایفرایم کھیروف از بلغارستان رو برو شد و ۳-۵ به پیروزی رسید. در پنجمین دور ورویش از شوروی را ۲-۸ شکست داد. در آخرین دور در دیدار سیدجبار سیدپور با ضربه فنی پیروز شد و مدال طلا را به گردن آورد.

۹۰ کیلو - هاشم کلاهی در این وزن دوم شد. وی ابتدا لوبویر آنتوف بلغاری را در وقت دوم ضربه فنی کرد. در دور دومتی را با ضربه فنی شکست داد و دور سوم نیز در دیدار با پیتر ژیم از بلغارستان مانند دو سابقه قبل پایان یافت. در دور چهارم استراحت کرد. در دور پنجم حریف خود از شوروی باخت و اولین مدال نقره را نصیب تیم ایران کرد.

۹۶ کیلو - محمد رضا سوخته - سرایی فوق سنگین ما برای رسیدن به قهرمانی ابتدا ژاژو گوزالی از کوبا را ضربه کرد. در دور دوم با دیگر کوباییان وزن لوئیس دیاز رو برو شد و در سه دقیقه اول او را نیز ضربه کرد. سومین کشتی سوخته سرایی با پایت آتاجی از رومانی بود که وی نیز به سرپوش دو کشتی - گیب قبلی دچار شد. چهارمین و آخرین حریف سوخته سرایی پارچوکف از شوروی بود که او هم مغلوب شد و سوخته سرایی با این پیروزی مدال طلا را نصیب خود کرد.

نفرات اول تا سوم اوزان دهگانه در پایان مسابقات جام تختی نفرات اول تا سوم در اوزان دهگانه بدین ترتیب شد: ۴۸ کیلو: ۱- امیر تهرانی از ایران ۲- ستانه از پاکستان ۳- استوبان استویانف از بلغارستان ۴- گبول احمداف از ایران ۵- محمد حسین از شوروی ۶- گریستوال از کوبا ۷- گارچایف از شوروی ۲- استان استافانف از

تمام قرارداد های اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

جمهوری دمکراتیک افغانستان آماده مذاکره با ایران و پاکستان است

خلاصه اعلامیه جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد مذاکره با ایران و پاکستان، دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان به دو کشور همسایه ایران و پاکستان پیشنهاد میکند اقداماتی بر اساس احترام متقابل و احترام به حق حاکمیت و اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر منظور قطع فعالیت های خرابکارانه از خاک کشوری علیه کشوردیگر صورت گیرد. مذاکره با دولتهای ایران و پاکستان نباید با ادامه فعالیت های خصمانه همراه باشد و حل اختلافات باید با تضمین های شوروی و آمریکا باشد از جمله این کشورها باشند.

کشورهای تضمین کننده باید توافق های دوجانبه میان افغانستان و ایران و افغانستان و پاکستان را بپذیرند و آنرا محترم شانند و آمریکا باید بروشنی بدون هیچ گونه ابهامی تضمین کند که عملیات خرابکارانه علیه افغانستان از خاک کشور ثالث را متوقف سازد و تجاوز و مداخله و هر گونه شکل های دیگر مداخله را قطع کند.

این کارگران در شرایط بسیار بدی بسر می برند و با اینکه مدتی پیش قیمت آجر دو برابر افزایش پیدا کرد، اما چیزی به دستمزد آنها اضافه نشد. علاوه بر این کارگران باید خودشان ابزار کار خود را تهیه بکنند و از این بابت هیچ گونه کمکی از جانب صاحبکار به آنها نمی شود.

روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه، نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران برای رسیدگی به خواسته هایشان به اداره کارگری کان مراجعه و در این آن اجتماع کردند، ولی مقامات مسئول جواب قانع کننده ای به آنها ندادند. کارگران کوره پز خانه های گرگان نسبت به کمی دستمزد و شرایط سخت و طاقت فرسای کار خود اعتراض دارند.

این کارگران در شرایط بسیار بدی بسر می برند و با اینکه مدتی پیش قیمت آجر دو برابر افزایش پیدا کرد، اما چیزی به دستمزد آنها اضافه نشد. علاوه بر این کارگران باید خودشان ابزار کار خود را تهیه بکنند و از این بابت هیچ گونه کمکی از جانب صاحبکار به آنها نمی شود.

روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه، نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران برای رسیدگی به خواسته هایشان به اداره کارگری کان مراجعه و در این آن اجتماع کردند، ولی مقامات مسئول جواب قانع کننده ای به آنها ندادند.

روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه، نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران برای رسیدگی به خواسته هایشان به اداره کارگری کان مراجعه و در این آن اجتماع کردند، ولی مقامات مسئول جواب قانع کننده ای به آنها ندادند.

روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه، نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران برای رسیدگی به خواسته هایشان به اداره کارگری کان مراجعه و در این آن اجتماع کردند، ولی مقامات مسئول جواب قانع کننده ای به آنها ندادند.

اعتراض کارگران کوره پز خانه های گرگان نسبت به دستمزد کم و شرایط بد کار

یقین داریم که ما می توانیم با شریعتی ها و همه مبارزان هوادار راه امام خمینی برای انجام یک تحول بی ادبی بسود تو ده های زحمتکش در کنار هم و به اتفاق هم

نورالدین کیانوری

بقیه از صفحه ۱
بیاد بهترین هم زمان می افتم که با همون روح سرشار و مستغنی و چنین سرفراز و آگاه مرگ انقلابی، مرگ «خوب» را در پای چوبه اعدام استقبال کردند. در چشم من شریعتی و دیگر مبارزان نظیر او از این هم زمان نزدیک جدا نیستند.

شریعتی، بتواند اندیشمند و دانشمند اجتماعی نیز برای من قابل درک و مورد احترام است.

شریعتی جامعه بشری را نهادی ثابت که یکبار برای همیشه ساخته شده باشد نمی داند. برای او جامعه در حال تغییر و تکامل است و این تغییر بر خلاف تصور خرافه پرستان در جهت تشدید مداوم ظلم و فساد نیست، بلکه پاک کردن انسان آگاه در جهت تکامل پیش می رود. در نظر من: انسان آگاه به هدفها و وظایفی در مرکز تحول اجتماعی قرار دارد و است که باید سرسروش خود را دست گیرد و بسازد.

شریعتی نبرد طبقاتی را در صورت کلی خود می پذیرد و میگوید: «جنگ بین قشری و قشری است و نشیبه رستی و علی و عثمان» شریعتی در این جنگ با تمام وجود خود در جانب فقرا و گدایان ایستاده و سارتر مادی پرست را فقط بعنوان اینکه طرفدار آزادی و دشمن استعمار است مبارزه میخواند در این دنیا برای مردم بهشت درست کند از شاه عباس و شاه سلطان حسین علوی موسوی» بهشیمه شیهتری می داند. برای او گاندی صد بار شمه تر است تا آیت الله بهبهانی.

بر چه تری سیمای مبارز صدر اسلام که شریعتی آرزو میکند مثل او باشد او بود رفقاری است. تصویری که شریعتی از او بود دارد اینست که این مرد انقلابی دشمن آشتی ناپذیر سرمایه، دوست جان برکف بنویران، دوسویالیست خدا پرست، هوادار «اشتراکیت اقتصادی» سیاسی، بود. شمار او اینست: «تا بود با طلا»، «تا بود باد سرمایه داری».

البته تصویری که شریعتی از سوسیالیسم دارد با سوسیالیسم علمی منطبق نیست. سوسیالیسم او بیشتر عرصه توزیع را در بر می گیرد و نه عرصه تولید و مناسبات اجتماعی را. با اینحال در زمان ما که شطرنج تاریخ بشری به اقیانوس سوسیالیسم می ریزد و در کشورهای مثل ایران در نبرد ضد امپریالیستی شرایط عینی برای تکامل غیر سرمایه داری پدید می آید، سوسیالیسم شریعتی و سوسیالیسم علمی، آسانی می توانند در یک جبهه متحد زبان مشترک پیدا کنند و راه جامعه را به جلو بکشانند. ما در برنامه خود این حالت را پیش بینی کرده و امکان راه رشد غیر سرمایه داری را در نظر گرفته ایم که رکن اصلی آن عبادت است از نبرد مشترک همه نیروهای ضد امپریالیست و همه دشمنان راه رشد سرمایه داری در یک جبهه متحد خلق، من

- بلغارستان ۳- محمد عظیم از پاکستان
- بلغارستان ۲- محمد اصغری از ایران ۳- خاستوف از شوروی ۶۸ کیلو: ۱- علی دهقان از ایران ۲- گامین برلی از بلغارستان
- بلغارستان ۳- محمد عظیم از پاکستان
- بلغارستان ۲- محمد اصغری از ایران ۳- خاستوف از شوروی ۶۸ کیلو: ۱- علی دهقان از ایران ۲- گامین برلی از بلغارستان
- بلغارستان ۳- محمد عظیم از پاکستان
- بلغارستان ۲- محمد اصغری از ایران ۳- خاستوف از شوروی ۶۸ کیلو: ۱- علی دهقان از ایران ۲- گامین برلی از بلغارستان

حزب من!

تو با تاریخ و با تاریخ رفافت داری .
حزب من! تو هشیاری هشیاری را فردا تودهها خواهند ستود .
داهها را می شناسی نیرنگها را هم .
میدانهای نبرد را تو انتخاب میکنی .
هشیاریت را خلق در وسعت وطن فردا جشن خواهد گرفت .
بگذارد دشمنان فردا بر بیکر پر زخم نجیبت تازیانهها فرود آرند ،

اما دستان زحمت ، دستان کار تیمارت خواهند کرد .
حزب من! تمامی کوههای جهان در مقابل صبورت از شرم آب می شود .

ترا می بینم ، دست در دست با رفیقان ، با گردان زحمتکشان ، در اردوگاه خلقتی جهان ، سر و دهخواتان پای گویان ،

پیش می تازی ، تاریخ به استقبال خواهد شتافت حزب من!

لطیف کردستانی

مواهم بزرگداشت خسرو روزبه در اهواز

از طرف سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان بمناسبت بزرگداشت خسرو روزبه قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران نماینده انجمنیات آمریکا در نقاط مختلف جهان در میدان راه آهن این شهر بزرگداشت

در این نمایشگاه، عکسها و طرحهایی از جنبیات آمریکا در شیلی، ویتنام، تایلند، تیکاراگوئه و ایران به نمایش گذاشته شده است. در کنار این نمایشگاه گروه تئاتر نوین - تئاتر در ارتباط با اتحاد

مردم بر ضد امپریالیسم جهانی، بر سر کدگی آمریکا در ایران اجرا کرده که با استقبال پر شور مردم مواجه شد.

مردم بر ضد امپریالیسم جهانی، بر سر کدگی آمریکا در ایران اجرا کرده که با استقبال پر شور مردم مواجه شد.

مردم بر ضد امپریالیسم جهانی، بر سر کدگی آمریکا در ایران اجرا کرده که با استقبال پر شور مردم مواجه شد.

مردم بر ضد امپریالیسم جهانی، بر سر کدگی آمریکا در ایران اجرا کرده که با استقبال پر شور مردم مواجه شد.

نامه فرود
ازگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیژادی
خیابان آذرخش شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
شماره تلکس: 214081 TPI IR
چاپ، کویان

MARDOM
No. 237
18 May 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.



پس از تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران

دروغی که معاون رئیس جمهوری آمریکا گفت و فاش شد

هیستری ضد شوروی و جنگیال و هیاهو بر سر باصطلاح اشغال افغانستان گامی هم پادروهای انصارات را، که به این هیستری و هیاهوی دامن میزنند، پاک بی آبرو میکند. والتر مساندیل معاون کاتر، چند شب پیش در مجمع خبرنگاران اعلام کرده که اتحاد شوروی سرگرم ساختن یک فرودگاه در جنوب افغانستان است، که هواپیماهای مستقر در آن میتوانند خلیج فارس را زیر نظر بگیرند (۱). ما ندیدیم که این اطلاعات را در «منابع اطلاعاتی» در اختیار وی گذاشته اند. اما منطقه ای که ما ندیدیم به آن اشاره کرده بود، برای همه آشنا بود و این سخنان ما ندیدیم صبح رو برود شد. به همین جهت به سخنگوی ما ندیدیم صبح روز بعد به خبرنگاران گفت:

«گزارشهای دیگری منابع اطلاعاتی حاکمیت که در جنوب افغانستان در حال حاضر فرودگاهی ساخته نمیشود»
مسائل کولم نخست وزیر استرالیا، بعد از سخنان ما ندیدیم، با آب و تاب خبر ساختن فرودگاه را در پارلمان کشور مطرح کرد. حالا میتوانیم قیافه جناب نخست وزیر استرالیا را پس از تکذیب سخنان ما ندیدیم پیش خود مجسم کنیم؟

پیشنهاد های دولت افغانستان مثبت ارزیابی میشود

اجوبت رهبر حزب جمهوریخواه خلق و نخست وزیر سابق ترکیه پیشنهاد های اخیر دولت افغانستان را مثبت ارزیابی کرد. از سوی دیگر یک فرستاده بانو ایندیگر گاندی، نخست وزیر هند، برای مذاکره درباره پیشنهاد های دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان وارد کابل شد.

دروغ برکنی خبر گزارهای امپریالیستی درباره افغانستان افشاشد

خبر گزار های امپریالیستی بازمهسته گل تازه ای به آب دادند. دولت افغانستان با انتشار بیانه ای این ادعای خبر گزار های غربی را، که گویا شهر هرات بدست «مخالفان» افتاده است. بی اساس و یک شوخی می مزمه توصیف کرد. دولت افغانستان اعلام کرد که هدف از انتشار این اکاذیب، آهم به نقل از اعلامیه های رنکارنگه فوئدال ها در خارج از کشور، تشویق خرابکاران است. اما این تلاش های مذبوحانه بوسیله خلق افغانستان درهم شکسته خواهد شد.

تظاهرات مردم نیکاراکوه، علیه مداخلات امپریالیسم آمریکا

در ماناکوآ پایتخت نیکاراکوه تظاهرات بزرگی علیه مداخلات امپریالیسم آمریکا در امور داخلی کشور برپا شد. تظاهر کنندگان از لایحه کتکزه آمریکا، که اعطای کمک راهبهدر شرط های سیاسی، از جمله برکناری دو تن از اعضای دولت انقلابی مشروط کرده بود، اعتراض کردند. سخنرانان اعلام کردند که باید قاطعانه این باصطلاح کمک زد و با هر گونه مداخله آمریکا در نیکاراکوه قاطعانه مقابله شود.

مدیریت موفق گردیده با همکاری چندین واقی شودا تاکنون بسیاری از مسائل و مشکلات شرکتها را، بنحواحسن، بنفع کارکنان حل نمایند. در حال حاضر نیز شرکتها بهیچوجه مواجه با مسائل مصاد اولیه، تولید، سرپرستی، هماهنگی کارگران و مدیران نمیشوند.

تکذیب

«شورای اسلامی کارگران کارخانجات لایس دوزی و پشمیافی ایران بر سرگذشت ضمن تکذیب نامه مورخ ۵۹/۲/۱۰، که در تاریخ ۵۹/۲/۲۷ به دفتر نامه مردم رسیده، مطالب مندرج در نامه «مردم» مورخ ۵۹/۲/۸ را تحت عنوان «نگاهی به مجتمع

شوخی نیست...!

تعجب!

- کرده اشرف دقانی، جمهوری اسلامی، یعنی جمهوری امپریالیستی، (اعلامیه ۱۹ اردیبهشت) - رئیس سیا (پاچشانی که از تعجب ارحدقه در آمده)، نه بساها!

اسم جدید تهاجم نظامی

«وزیر خارجه انگلستان: اقدامات کارتر علیه ایران یک ژست سیاسی بوده»
(آزادگان - ۲۲ اردیبهشت)
- اخیراً اسم تهاجم نظامی شدژست!

از دست این مردم!

این مردم ایران دست از کارهای خلاف برنمدارند. بعد از مبارزه شدید ضد امپریالیسم، بدون دلیل ساعت کمبود شیر شده اند! تعجب نکنید. سخنان مدیرعامل شرکت صنایع شیر ایران را بخوانید!

«امروز کمبود تصنیفی در سطح تهران می بینیم و علت آن هم عدم همکاری مردم با صنایع شیر است!»
(آزادگان - ۲۲ اردیبهشت)

و اما اگر سخنان ایشان را دنبال کنید، می بینید که به نظر ایشان مردم، یعنی شیرفرشان دوره کرده

«شیر فروشان دوره کرد یات پاکت شیر یک لیتری را از مغازه دار ۲۳ ریال خریداری میکنند، و آنرا بصورت باز در ظرف های گالنی سر باز تا کیلویی ۶۰ ریال بفروش می رسانند. این بزرگترین علت کمبود شیر است.»

باز هم اگر حرف ها را دنبال کنید، معلوم میشود «صنعت شیر ایران از نظر بسته بندی ۹۵ درصد و از نظر تولید شیر ۴۰ تا ۴۵ درصد به خارج وابسته است.»

پس در واقع علت، این وابستگی است، که اسطر شده مردم، و شیر فروش دوره کرده!

«رنجبر» کارش زیاد شده

«حملات چماقداران شدت یافت»
(رنجبر شماره ۴۹)
- سر دیورنجبر، همه کارها لنگه ماسه، کارچهها چند براب شده، وقت مقاله نوشتن پیدا میکنند!

تحریف!

مدیر کل وزارت کار، دکلیه اطلاعات و اخباری که از سوی خبرگزاری های خارجی در اختیار جهانیان قرار داده می شود خالی از غرض نبوده و اکثراً تحریف شده...

(آزادگان - ۲۲ اردیبهشت)
- مگر خبر مربوط به کشورهای سوسیالیستی، که سددرد صحیح و بدون غرض مخا بره میشود!

پیش روی زمین خواران

«زمین خواران کاردار بجای رسانده اند که از طریق شهرداری تهران سایر مقامات دست به تهدید و ارعاب بنیاد مسکن زده اند.»
(اطلاعات - ۲۲ اردیبهشت)

- اگر همین جور پیش برود، انقلاب را هم تهدید خواهند کرد!

تقویت سیا

«گروگان گیری اگر چه باعث نشان دادن روح دشمنی ایرانیان و بخصوص دانشجویان با آمریکا بود... ولی این گروگان گیری باعث تقویت سازمان سازمان سوسیالیسم، که دیگر کاری به آن صورت سابق نداشت، که انجام دهد، شده»
(سخنرانی بازرگان - در نماز جمعه همدان)

- ما را بگو تا حالا فکر می کردیم با «سیا» می جنگیم! تکو باعث و با نجات «سیا» هستیا ای لظ غافل! حالا جواب خلق های دنیا را چه بدیم؟

مگر ما چی مون کمتره؟

کاردار سفارت عربستان سعودی در ایران گفته است، «باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشیم»
و نیز خاطر نشان کرده است، «ایران و عربستان سعودی هدف مشترک دارند و ۲ کشور نیاز به همبستگی دارند.»

رفیقی گفت، مگر روشن نشده که رژیم مرتجع عربستان یکی از عوامل آمریکا در منطقه است و بکنته سازمان اسلامی جزیره العرب که مصاحبه شان در روزنامه جمهوری اسلامی هم چاپ شد، اسلام سعودی، همان اسلام آمریکایی است! پس چرا با رژیم این دوستی های «خاله خرسه» نشان داده میشود؟

ظریفی پاسخ داد: چون دیدند برخی مقامات ایرانی خیلی اهل مذاکره و مرحمت و... هستند. گفتند، مگر ما چی مون کمتر از «والد هایم» و «ضیاء الحق»، «هوا» و «فک» است!

محدودیت

- قاپوس، پادشاه آمریکایی عمان، گفته است که، آمریکا را از لحاظ نظامی در عمان محدود خواهد کرد.
- سازمان آزادی بخش بحرین اطلاع داد، «هواپیماها و تفنگداران آمریکایی از پایکاهی در عمان برای تجاوز نظم می ایران استفاده کردند»
- مبارزین نظامی اعلام کردند، رژیم خونخوار قاپوس با همکاری آمریکا و انگلستان به کشتار وسیع مردم میبرداند.
- نتیجه، بیچاره آمریکاه که باید اینهمه محدودیت، را تحمل کند و جیک هم نند!

یک پیشنهاد جالب

مجید علی کلی، «بوکوره» آمریکایی، گفته است، «اگر گروگانها آزاد شوند، من و هوولمز حاضر خواهیم شد برای کسب عنوان قهرمانی در تهران مسابقه بدیم و ایرانیان بر اینگان مسابقه را تماشا کنند.» (اطلاعات - ۱۰ اردیبهشت ۵۹)
ظریفی گفت، من پیشنهاد جالبتری دارم، ما ۵۰ تاجاوسوس آمریکایی را در دادگاه بطور علنی محاکمه میکنیم و شما به «رایگان» جریان محاکمه را تماشا کنید!

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود